

ترامپ ساعتی!

اعتراف ((الیزابت وارن)) سناتور آمریکایی:
ترامپ قابل اعتماد نیست؛ او هر ساعت
نظرش را عوض می‌کند



اظهارات الیزابت وارن درباره دونالد ترامپ بار دیگر بحث «ثبات در تصمیم‌گیری» در سیاست آمریکا را داغ کرده است. وارن با اشاره به تغییرات مکرر مواضع ترامپ، او را فردی توصیف می‌کند که نمی‌توان روی حرف و تصمیمش در بلندمدت حساب کرد. موضوعی که پی‌پی‌وژه در حوزه‌های حساس مانند سیاست خارجی و اقتصاد می‌تواند پیامدهای جدی داشته باشد.

منتقدان ترامپ معتقدند این تغییر موضع‌های سریع، نشانه‌ای از نبود استراتژی مشخصی است و باعث بی‌اعتمادی معاندان و حتی بازارهای مالی می‌شود. در مقابل حامیان او این رفتار را «عطاف‌پذیری» و توانایی تطبیق با شرایط متغیر می‌دانند. با این حال آنچه وارن برجسته می‌کند، نه صرفاً تغییر نظر بلکه سرعت و تکرار آن است. پی‌پی‌وژه می‌گوید که گاهی در بازه‌های کوتاه پیام‌های متناقضی از سوی ترامپ منتشر می‌شود. این مسئله باعث شده برخی تحلیلگران از اصطلاح «ترامپ ساعتی» برای توصیف سبک تصمیم‌گیری او استفاده کنند.



روزنامه جهانی اقتصادی

یکشنبه
۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ ● ۸ ذوالقعدة ۱۴۴۷ ● 26 April 2026
۸ صفحه ● پنج‌هزار تومان ● سال پنجم ● شماره هشتصد و دو
www.asrghanoon.ir

اندیشه جدید



نشست علمی تولد حقوقی مردم سالاری دینی و شکست حقوقی لیبرال دموکراسی با حضور دکتر حمید پارسانیا، استاد دانشگاه تهران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد. وی با تشریح مختصات حقوقی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: انقلاب اسلامی، انقلابی با مدل، روش و رویکردی منحصر به فرد بود که با سرعتی شگفت‌انگیز، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید؛ پیروزی‌ای که در فاصله‌ای دوماهه، با برگزاری همه‌پرسی روز مهم، توانست صورت لازم حقوقی و سیاسی خود را به دست آورد و به یک نظام مستقر تبدیل شود.

وی با اشاره به اینکه «در فاصله ۲۲ بهمن تا آن روز سرنوشت ساز، انقلاب اسلامی امکان بروز حقوقی و عملی الزامات خود را پیدا نکرده بود»، توضیح می‌دهد: «جامعه انقلابی، ذیل ساختار حقوقی و سیاسی نظام سابق تعریف می‌شد و این ساختار، با هویت مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی ناسازگار بود؛ بنابراین، ضرورت داشت که در یک فرایند حقوقی شفاف، مبنای جدید حاکمیت و نوع نظام سیاسی از مردم پرسیده شود و رأی آن‌ها در چارچوبی روشن و رسمی، صورت‌بندی گردد.»

پارسانیا در ادامه، با تبیین زمینه اجتماعی همه‌پرسی روز سرنوشت ساز یادآور می‌شود: «در آن مقطع، فضای انقلاب، فضای حضور گسترده و یکپارچه مردم در صحنه بود و راهپیمایی‌های میلیونی، در شهرها و روستاها، مانع از این می‌شد که دولت موقت بتواند انتخابات به معنای رقابت جریان‌ها برای کسب قدرت را برگزار کند؛ اجتماعات مردم، ماهیتی انقلابی داشت و صورت‌بندی آن‌ها در قالب سازوکارهای عادی و رقابتی نظامات پارلمانی ممکن نبود» به گفته وی، فراندوم روز تاریخی را «در عین حال که یک امر واقعی بود، بیانگر شروع به ثبت این واقعیت در قالب حقوقی و رسمی نیز به شمار می‌آمد»

استاد دانشگاه تهران، با اشاره به اینکه «مفهوم مردم‌سالاری در انقلاب اسلامی ایران، تفاوت جدی با مدل‌های متعارف لیبرال‌دموکراسی دارد»، خاطرنشان می‌کند: «انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ میلادی در جهانی رخ داد که به‌ظاهر، عصر انقلاب‌ها و جنبش‌های بزرگ توده‌ای سپری شده بود. در آن سال‌ها، بسیاری از تحلیلگران غربی و حتی روشنفکران جهان سوم، معتقد بودند دوران انقلاب‌های بزرگ تمام شده است و تغییرات اجتماعی، صرفاً در چارچوب اصلاحات تدریجی، انتخابات حزبی و جابه‌جایی نخبگان سیاسی معنا پیدا می‌کند؛ اما انقلاب اسلامی، این الگو را شکست.»



نقش پشت‌پرده مهدی طارمی

در صفحه ۸ بخوانید

بدترین روز زندگی کارتر

در صفحه ۲ بخوانید

قاتلان خاموشی برق

در صفحه ۵ بخوانید



خون ۷۰۰۰ شهید ما پرده ناآگاهی جهانی را کنار زد



■ احمد چلداوی عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت درخصوص تحولات اخیر مردم ایران و تحلیل چگونگی ایستادگی آن‌ها در جنگ تحمیلی سوم و بعد از آن، گفت: واژه «بعثت» یک کلیدواژه است؛ هم در روایات آخرالزمان بر آن تأکید شده، هم در قرآن آمده و هم رهبری شهید انقلاب بر آن اشاره کرده‌اند. امام جدیدمان هم این واژه را درباره مردم ما به‌کار برده‌اند. این بعثت بر ملت امروز ما اطلاق شده است؛ بعثتی که لازمه‌اش شرایطی غیرقابل تصور است، مثل اینکه ۵۵ روز یک ملت پیوسته در خیابان حضور داشته باشد. ■

■ ملت امروز از ملت انقلاب ۵۷ بزرگ‌تر شده است

وی ادامه داد: ملت ما نشان داده‌اند به بلوغ فکری کاملی رسیده‌اند و ملت امروز از ملت سال ۱۳۵۷ هم بزرگ‌تر است. آنان هم بزرگ بودند، اما این مردم چندین مرتبه بالاترند.

آن زمان هفته‌ای دو یا سه بار در خیابان حاضر می‌شدیم؛ اما امروز مردم هر شب، در همه محله‌ها، بدون توقف می‌آیند و این اتفاق در کل تاریخ بی‌نظیر است. این یعنی آمادگی کامل مردم، قومی که شعور، شعار و آمادگی‌اش از هر جهت به مرحله ظهور رسیده است. حتی تحولات جهان امروز هم ناشی از همین تحول ملت ایران است.

■ الگوی قیام مردم ایران در جهان در حال تکرار است.

چلداوی با تأکید بر اینکه قیام مردم ایران با یک بشارت جهانی همراه خواهد بود، تصریح کرد: این الگو در کشورهای دیگر نیز در حال تکرار است. در عراق نیز مردم هر شب یا هر هفته تجمع می‌کنند؛ در لبنان، یمن، آلمان و حتی آمریکا همین حرکت‌ها دیده می‌شود. مردم یاد می‌گیرند هر شب به خیابان بیایند و سخن بگویند. جهان دیگر نظام سلطه را برنمی‌تابد؛ نظام آپستینی در رأس شیاطین قرار دارند.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت در همین راستا افزود: جهان به ستوه آمده از اینکه برخی از کیفیت‌ترین انسان‌ها بر آن

حاکم باشند و خواستار پایان یافتن این وضعیت هستند.

■ خون ۷۰۰۰ شهید؛ تبدیل به آگاهی و حضور مردم

وی در پاسخ به اینکه ۷۰۰۰ هزار شهید ایرانی در یک‌سال گذشته و سه اتفاق جنگ ۱۲ روزه، کودتای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه و جنگ رمضان چه نقشی در بیداری مردم داشته است؟، گفت: خون شهدای ما ریخته شد و تبدیل به آگاهی، شعور، شعار و حضور گشت. چلداوی با طرح این سوال که چه چیزی توانست ملت ایران و حتی مردم جهان را این‌گونه به خیابان‌ها بیآورد؟ خاطرنشان کرد: خون امام شهیدمان، فاجعه مدرسه میناب و دو بار بمباران کردن کودکان آنجا کار یک فرد عادی نیست؛ کار یک نظام بسیار فاسد است. نظامی شبیه آنچه در پرونده آپستین دیدیم؛ نظامی که از کشتن کودکان و خوردن جنین لذت می‌برد می‌تواند دست به چنین جنایتی بزند. گفتن اینکه چنین افرادی حاکم جهان‌اند، انسان را منزجر می‌کند.

■ فاجعه مدرسه میناب پرده ناآگاهی جهانی را کنار زد

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت بیان داشت: خون شهدا پرده ناآگاهی را کنار زد و مردم دنیا را بیدار کرد. دخترکان میناب شمع‌هایی بودند که دل‌های مردم جهان را روشن کردند و اکنون بسیاری از مردم دنیا حقانیت ما را در مظلومیت همین دخترکان می‌بینند.

■ امروز بسیاری از مردم جهان حق را به ایران می‌دهند.

چلداوی تأکید کرد: این رسالت کودکان در تاریخ تکرار می‌شود و همان‌گونه که خون حضرت علی‌اصغر(ع) تا الان اسلام را نگه داشته، خون فرزندان ما در مدرسه میناب نیز این انقلاب را به انقلاب حضرت مهدی(عج) متصل خواهد کرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت در پایان سخنان خود گفت: امروز نیز بسیاری از مردم جهان حتی برخی سیاستمداران آنها می‌گویند حق با ایران است و به حقانیت ملت ما پی برده‌اند.



ابتلای ترامپ به سندروم ۲۰۲۰

■ انتشار نتایج نظرسنجی اخیر شبکه فاکس نیوز، نقطه آشکار ساز بحرانی تمام‌عیار در کاخ سفید و حزب جمهوری خواه آمریکا محسوب می‌شود.

نظرسنجی فاکس نیوز؛ بر اساس این نظرسنجی، ۵۶ درصد از جمعیت آماری این تحقیق در شایستگی «دونالد ترامپ» و کابینه او در مدیریت دولت تردید دارند. پیشتر نیز نظرسنجی خبرگزاری رویترز و موسسه آپسوس نشان داد که میزان محبوبیت رئیس‌جمهور آمریکا در روزهای اخیر در پایین‌ترین سطح دوره ریاست‌جمهوری او بوده است.

با این حال نظرسنجی شبکه فاکس نیوز که ماهیتی محافظه کار و جنگ‌طلب دارد، زنگ خطر را به صدایی بلندتر در اردوگاه جمهوری خواهان به صدا در آورده است. قدر متقین این نظرسنجی، رویگردانی بخشی از جمهوری خواهان سنتی از ترامپ است! به عبارت بهتر، این نظرسنجی نشان می‌دهد علاوه بر دموکرات‌ها و رأی‌دهندگان مستقل (که نقش مهمی در انتخابات سال ۲۰۲۴ به سود ترامپ ایفا کردند)، بخشی از رأی‌دهندگان جمهوری خواه نیز دیگر نسبت به حضور ترامپ در کاخ سفید و عدم تحقق وعده‌های دروغین وی ناامید شده‌اند. تجربه نشان می‌دهد که این آرای ناراضی، هر اندازه نیز اندک باشد، می‌تواند منجر به فریضه شدن سبد رای دموکرات‌ها در آوردگاه‌های مهم سیاسی شود.

انتشار این نظرسنجی، آن هم در حالی که مدت زمان زیادی تا انتخابات میان‌دورهای کنگره در ماه نوامبر (آبان ماه امسال) باقی نمانده است، شوک سختی را به سران حزب جمهوری خواه وارد ساخته است.

نکته اساسی اینجاست که کاتالیزور و عامل تسریع‌کننده افت محبوبیت ترامپ در میان گروه‌های مختلف در آمریکا، شکست وی در جنگ با ایران و تبعات اقتصادی ناشی از درگیری دوماهه واشنگتن در نبرد با کشورمان است. اکثریت قریب به اتفاق آمریکایی‌ها معتقدند که رئیس جمهور آمریکا به اهداف اعلامی خود در نبرد با ایران دست نیافته و از سوی دیگر، قدرت مدیریت بحران کنونی جهت خروج آبرومندانه از آن را ندارد! در چنین شرایطی شیب نزولی محبوبیت ترامپ در بین رای دهندگان آمریکایی روز به روز تندتر می‌شود.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰، آرای بخشی از جمهوری خواهان سنتی (که از سیاست‌های ترامپ در دور نخست ریاست جمهوری ناراضی بودند) به سود دموکرات‌ها و جو بایدن به گردش در آمد. محصول این روند، شکست غیرقابل انتظار ترامپ در برابر بایدن در دو ایالت جمهوری خواه یعنی جورجیا و آریزونا بود. هر چند در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ مجدداً آرای جمهوری خواهان سنتی در این دو ایالت به سود ترامپ به گردش در آمد، اما اکنون بار دیگر نشانه‌هایی مبنی بر نارضایتی شدید این طیف نسبت به ترامپ و سیاست‌های حماقت‌آمیز وی بروز کرده است.

از این رو ممکن است جمهوری خواهان در سال ۲۰۲۸ میلادی بار دیگر با ترکیبی از مخالفان دموکرات، مستقل و جمهوری خواهان ناراضی مواجه شوند. قطعاً عواقب و تبعات ناشی از شکست واشنگتن در تقابل با تهران، گریبان رئیس جمهور آمریکا و همراهان متوهم وی در کاخ سفید را رها نخواهد ساخت.

بازتاب روایت ایران از شکست قطعنامه بحرین در غرب

■ سمیه رفیعی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت پارلمانی و رئیس فراکسیون محیط زیست، در تشریح جزئیات حضور هیئت پارلمانی ایران در نشست اتحادیه بین‌المجالس جهانی (IPU) در استانبول ترکیه، گفت: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این نشست خنثی سازی قطعنامه پیشنهادی بحرین علیه ایران بود که با وجود همراهی جبهه اروپایی و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس با بحرین، تیم دیپلماسی پارلمانی ایران موفق شد مانع از تصویب این قطعنامه شود.

وی افزود: انتظار می‌رفت برخی کشورها علیه ایران موضع‌گیری کنند، اما نه تنها چنین نشد، بلکه به طور مثال نماینده زن اردن که کشورش با ایران در تخصص است، از شرایط سخت ما پرسید و نماینده عربستان نیز ابراز همدردی کرد. این نشان‌دهنده تأثیرگذاری روایت واقعی هیأت نمایندگان ایرانی در فضای بین‌المللی است.

نماینده تهران با اشاره به فضای حاکم بر اجلاس خاطرنشان کرد: کشورهای حاضر در این نشست، حق دفاع مشروع ایران را به رسمیت می‌شناختند. وقتی برخی از نمایندگان از تنگه هرمز و سایر مباحث صحبت می‌کردند، ما با این استدلال که ایران از همه ابزارهای خود برای دفاع استفاده می‌کند، فضای اتهام را می‌شکستیم.

رفیعی با بیان اینکه خبرگزاری‌های بزرگ آمریکایی و بین‌المللی مشتاق مصاحبه با هیئت ایرانی بودند، تصریح کرد: ما به مردم آمریکا گفتیم که اولویت دولت خودشان نیست و آمریکا حلقه‌به‌گوش رژیم صهیونیستی شده است. این پیام را با جرأت کامل بیان کردیم. وی یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های این سفر را حضور در سمپوزیوم عالی شبکه پارلمانی در حمایت از بهداشت عنوان کرد و با اشاره به جزئیات این نشست گفت: در این سمپوزیوم که با حضور رؤسای مجالس کشورهای مختلف برگزار شد، ما جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی ایران را افشا کردیم.

این رژیم تروریستی با پشتیبانی آمریکا، بیمارستان‌ها، مؤسسات درمانی و انستیتوهای پزشکی ما را هدف قرار داده است. نماینده سازمان جهانی بهداشت در این نشست به صراحت فاش کرد که این رویه ی ثابت رژیم صهیونیستی است و آنها پیش از این نیز مراکز تولید واکسن را در



بدترین روز زندگی کارتر

■ پس از گذشت ۱۷۲ روز از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، فشارها بر دولت کارتر روزبه‌روز بیشتر می‌شد و شکاف در تیم سیاست خارجی دولت آمریکا به نقطه جوش رسیده بود.

در این تیم، سائروس ونس وزیر خارجه کارتر همچنان مصراًنه مخالف اقدام نظامی بود و معتقد بود با گذشت زمان، احتمال آسیب فیزیکی به گروگان‌ها کاهش می‌یابد و اساساً عملیات نظامی در مرکز شهری مثل تهران را غیرمنطقی می‌دانست. در مقابل، برژینسکی مشاور امنیت ملی شانس معقولی برای موفقیت عملیات می‌دید و شروع به لابی‌گری با دیگر اعضای کابینه کرد. نقطه اوج این فشارها، یادداشت ۱۰ آوریل او خطاب به کارتر با عنوان آزادسازی گروگان‌ها بود.

او در این یادداشت هشدار داد: تا زمانی که اقدامی برای تغییر ماهیت بازی انجام نشود، باید خود را برای ادامه اسارت گروگان‌ها تا تابستان یا حتی بیشتر آماده کنیم؛ ما باید فراتر از سرنوشت پنجاه آمریکایی فکر کنیم و به اثرات مخرب یک بن‌بست طولانی، سرخوردگی فراوانده عمومی و تحقیر بین‌المللی آمریکا بیندیشیم.

با شکست کامل مذاکرات آزادسازی گروگان‌ها، کارتر احساس می‌کرد در برابر افکار عمومی و رقیب جمهوری خواهش رونالد ریگان منفعل به‌نظر می‌رسد لذا طرح عملیات در جلسه ۲۲ فروردین ۱۳۵۹ (۱۱ آوریل ۱۹۸۰) به‌طورجدی بررسی شد و سپس در ۲۷ فروردین ۱۳۵۹ به تأیید نهایی رسید.

او در جلسه کابینه اعلام کرد: «متخصصان عملیات شب‌نظامی اکنون به توانایی خود برای نجات گروگان‌ها اطمینان دارند»، لذا چرخ‌های عملیات پنجه عقاب به حرکت افتاد. در غروب ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ هشت فروند بالگرد RH-۵۳D از ناو هواییمار نیمیت در دریای عمان به پرواز درآمدند، طرح اولیه عبارت بود از ۹۰ نیروی کماندو با شش هواپیمای C-۱۳۰ برای سوخت‌گیری به نقطه‌ای بنام صحرای یک می‌رفتند و از آنجا عملیات به تهران ادامه می‌یافت اما آنچه رخ داد، زنجیره‌ای از فجایع بود؛ یک بالگرد دچار نقص فنی شد و مجبور به فرود اضطراری در کویر شد، بالگرد دوم در میانه طوفان شن، قطب‌نمایش را از دست داد و به ناو بازگشت، وقتی نیروها به صحرای یک رسیدند، به‌جای ۶ فروند، تنها ۵ بالگرد عملیاتی داشتند، کارتر با دریافت این خبر، پس از ساعتی مشورت دستور لغو عملیات را صادر کرد. در میانه تخلیه شتاب‌زده، یک فروند RH-۵۳D برای سوخت‌گیری جابه‌جا می‌شد که طوفان عظیمی از شن به‌پا کرد. خلبان در تاریکی مطلق، کنترل را از دست داد و بالگرد مستقیماً با یک فروند هواپیمای C-۱۳۰ برخورد کرد، انفجار مهیب، ۸ سرباز آمریکایی را به کام مرگ کشید.

در چشم‌پره‌هم‌زدنی، ۷ بالگرد، یک فروند C-۱۳۰ و ۲۵ میلیون دلار تجهیزات در آتش سوخت. اجساد نیمه‌سوخته سربازان و لاشه‌های هواپیماها در کویر رها شد.

اما نکته جنجالی‌تر اینجاست: سند از طبقه‌بندی خارج‌شده سیا فاش کرده است صحرای یک منطقه تخلیه قدیمی و شناخته‌شده خود سیا از دوران پیش از سرنگونی شاه بوده است. یک افسر بلندپایه امنیتی ایران که بر توسعه این سایت نظارت داشت، از آن مطلع بود. این سند ویرانگر به‌صراحت نتیجه‌گیری می‌کند برنامه عملیات چنان پیچیده و شکست‌های اولیه آن چنان جدی بود که برخی گمان می‌کردند این عملیات هرگز قرار نبود چیزی بیش از یک نمایش باشد و یک شکست قابل پیش‌بینی طراحی شده است تا به افکار عمومی ثابت کند کارتر مایل به انجام کاری است.

گزارش تحقیق از علت شکست هم فاجعه را تأیید می‌کند: انتخاب بالگرد RH-۵۳D (مخصوص مین‌روبی) به‌جای HH-۵۳ (ویژه عملیات نجات) یک اشتباه فاجعه‌بار در برنامه‌ریزی بود، این عملیات از همان ابتدا به‌دلیل ضعف ساختاری، محکوم به شکست بود.

اعترافات تلخ؛ شب‌های بی‌خوابی در کاخ سفید

کارتر در کتاب خاطراتش پرده از زوایای پنهان این فاجعه برمی‌دارد و این شب را بدترین زمان زندگی‌اش توصیف می‌کند. او می‌نویسد: من هنوز درگیر خاطرات آن روز هستم؛ امید‌های بلندمان برای موفقیت، مجموعه باورنکردنی حوادث ناگوار، شجاعت تیم نجات‌مان، شرمساری از شکست، و مهم‌تر از همه، مرگ‌های غم‌انگیز در آن صحرای دورافتاده!

او در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۸۲ اعتراف کرد: بزرگ‌ترین حسرت دوران ریاست‌جمهوری‌ام، تلاش برای نجات گروگان‌ها در آوریل ۱۹۸۰ بود، این یک عملیات کاملاً برنامه‌ریزی‌شده، به‌شدت محرمانه و نسبتاً پیچیده بود که همه با آن موافق بودند.

حسرت ویژه او، کمبود فقط یک بالگرد بود؛ ای کاش یک هلیکوپتر بیشتر فرستاده بودم... آن وقت گروگان‌ها نجات می‌یافتند و من دوباره انتخاب می‌شدم.

عاملیت مردمی تصمیم گیرندگان نهایی

برنامه جریان که هر شب ساعت ۲۰ از شبکه یک سیما پخش می‌شوداینبار میزبان حجت الاسلام احمد رهدار، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و موضوع «هنرهای رهبر شهید» بود.

حجت‌الاسلام احمد هدار با اشاره به هنر بزرگ مدیریتی رهبر انقلاب با ارجاع به تعبیر امام شهید درباره مبعوث شدن مردم، این پرسش بنیادین را مطرح کرد که رسالت این بعثت چیست و یادآور شد که هر بعثتی در تاریخ مأموریتی بر عهده دارد.

وی با یادآوری سخنان امام خمینی در فروردین ۱۳۵۸ و استناد به آیه شریفه «و نريد أن نمن علی الذین استضعفوا فی الارض»(آیه ۵ سوره قصص) رسالت فعلی و پنجره درک این مأموریت را ایفای نقش ملت ایران در قامت امام مستضعفان جهان دانست و در تبیین دقیق‌تر این موضوع، به دستاوردها و رسالت‌های دو نسل تربیت‌یافته در بستر انقلاب اسلامی، به وسیله امام خمینی(ره) و رهبر شهید انقلاب پرداخت.

رسالت مردم مبعوث ایران، امامت مستضعفان جهان است
عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) رسالت اصلی نسل تربیت‌یافته نزد امام خمینی(ره) را پاک‌سازی جغرافیای ایران از نفوذ استکبار جهانی و تبدیل کشور به نقطه ثقل جریان مقاومت دانست و گفت: این نسل با تحمل هزینه‌های سنگینی چون جنگ تحمیلی و تحریم‌های طوالاتی مدت، استقلال سیاسی ایران را به گونه‌ای تثبیت کرد که امروز حتی دشمنان نیز بر مستقل بودن تصمیمات آن مترفانند.

رهدار سپس به نسل تربیت‌یافته نزد رهبر شهید انقلاب پرداخت و افزود: مأموریت این نسل، تحقق بخشیدن به روایای امام خمینی برای به اهتزاز درآوردن پرچم توحید بر قله‌های رفیع عالم است. به این ترتیب، پروژهای که در نسل اول در داخل مرزهای ایران به ثمر رسیده بود، اکنون توسط این نسل در مقیاس منطقه‌ای و جهانی به پیش می‌رود و رسالت این ملت مبعوث، همان امامت مستضعفان جهان است، وی در تشریح مفهوم «امامت امت» یادآور شد که برخلاف ادراک اولیه و فردمحور از واژه امام، قرآن کریم با صراحت از ائمه‌ای سخن می‌گوید که یک امت هستند و بر امامت یک قوم و جمع تأکید دارد.

رهدار با اشاره به روایاتی که از مبعوث شدن یک قوم و نه صرفاً یک فرد سخن می‌گویند، این انتقال استراتژیک از مفهوم «امت فردی» به «امامت جمعی» را پدیده‌ای عمیق خواند که نیازمند تبیین دقیق است.

مردم مبعوث یا سی مرغ یگانهٔ زمینی
رهدار در ادامه با وام گرفتن از منطق الطیر عطار نیشابوری، به تمثیل سی مرغ اشاره کرد. او توضیح داد که در این اثر، سی مرغ با ویژگی‌های فردی در جستجوی حقیقتی در آسمان پرواز می‌کنند و هنگامی که در افقی دور از چشم زمینیان مه‌سو می‌شوند، یگانگی اراده‌های آنان در یک کالبد تجلی می‌یابد که عطار آن را سیمرغ می‌نامد؛ پدیده‌ای که نشان‌دهنده پدیدار شدن بُردار جمعی اراده‌هاست.

وی افزود: توماس هابز نیز در کتاب لویاتان برای تبیین نظام سیاسی و حاکمیت، تصویر انسانی بزرگ را ترسیم کرده بود که پیکره‌اش از بی‌شمار انسان کوچک تشکیل شده بود تا نشان دهد روح جمعی شهروندان، شکل‌دهنده حاکمیت است.

استاد حوزه و دانشگاه در تبیین ارتباط این مفاهیم با بعثت امت تصریح کرد: با شهادت رهبر شهید و برانگیختگی ملت، گویی فصل جدیدی

■ نشست علمی تولد حقوقی مردم سالاری دینی و شکست حقوقی لیبرال دموکراسی با حضور دکتر حمید پارسانیا، استاد دانشگاه تهران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد. وی با تشریح مختصات حقوقی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: انقلاب اسلامی، انقلابی با سبیل و روش و رویکردی مختصربه‌فرد بود که با سرعتی شگفت‌انگیز، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید؛ پیروزی‌ای که در فاصله‌ای دوماهه، با برگزاری همه‌پرسی روز مهم، توانست صورت لازم حقوقی و سیاسی خود را به دست آورد و به یک نظام مستقر تبدیل شود.

وی با اشاره به اینکه «در فاصله ۲۲ بهمن تا آن روز سرنوشت ساز، انقلاب اسلامی امکان بروز حقوقی و عملی الزامات خود را پیدا نکرده بود»، توضیح می‌دهد: «جامعه انقلابی، ذیل ساختار حقوقی و سیاسی نظام سابق تعریف می‌شد و این ساختار، با هویت، مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی ناسازگار بود؛ بنابراین، ضرورت داشت که در یک فرایند حقوقی شفاف، مبانی جدید حاکمیت و نوع نظام سیاسی از مردم پرسیده شود و رأی آن‌ها در چارچوبی روشن و رسمی، صورت‌بندی گردد».

پارسانیا در ادامه، با تبیین زمینه اجتماعی همه‌پرسی روز سرنوشت ساز یادآور می‌شود: «در آن مقطع، فضای انقلاب، فضای حضور گسترده و یکپارچه مردم در صحنه بود و راهپیمایی‌های میلیونی، در شهرها و روستاها، مانع از این می‌شد که دولت موقت بتواند انتخابات به معنای رقابت جریان‌ها برای کسب قدرت را برگزار کند؛ اجتماعات مردم، ماهیتی انقلابی داشت و صورت‌بندی آن‌ها در قالب سازوکارهای عادی و رقابتی نظامات پارلمانی ممکن نبود.» به گفته وی، فراندوم روز تاریخی را «در عین حال که یک امر واقعی بود، بیانگر شروع به ثبت این واقعیت در قالب حقوقی و رسمی نیز به شمار می‌آمد».

استاد دانشگاه تهران، با اشاره به اینکه «مفهوم مردم‌سالاری در انقلاب اسلامی ایران، تفاوت جدی با مدل‌های متعارف لیبرال‌دموکراسی دارد»، خاطرنشان می‌کند: «انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ میلادی در جهانی رخ داد که به‌ظاهر، عصر انقلاب‌ها و جنبش‌های بزرگی توده‌ای سپری شده بود. در آن سال‌ها، بسیاری از تحلیلگران غربی و حتی روشنفکران جهان سوم، معتقد بودند دوران انقلاب‌های بزرگ تمام شده است و تغییرات اجتماعی، صرفاً در چارچوب اصلاحات تدریجی، انتخابات حزبی و جابه‌جایی نخبگان سیاسی معنا پیدا می‌کند؛ اما انقلاب اسلامی، این الگو را شکست.»

وی تصریح می‌کند: اگر در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، انقلاب‌های بزرگ با ایدئولوژی‌های سکولار، مارکسیستی، ناسیونالیستی یا لیبرالی تعریف می‌شد، انقلاب اسلامی ایران در فضایی پدید آمد که بسیاری آن را بسایدایدئولوژیک می‌نامیدند؛ با این حال همین انقلاب، حرکت جدیدی را در جهان اسلام و حتی در سطح جهانی رقم زد و نشان داد که هنوز می‌توان از دل ایمان دینی و فرهنگ مردم، نیرویی عظیم برای تحول سیاسی و اجتماعی برانگیخت.

پارسانیا با یادآوری شرایط کشورهای اسلامی در دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی توضیح می‌دهد: «در بسیاری از کشورهای اسلامی، پس از فروپاشی دولت عثمانی و کشیده شدن خطوط مرزی جدید،

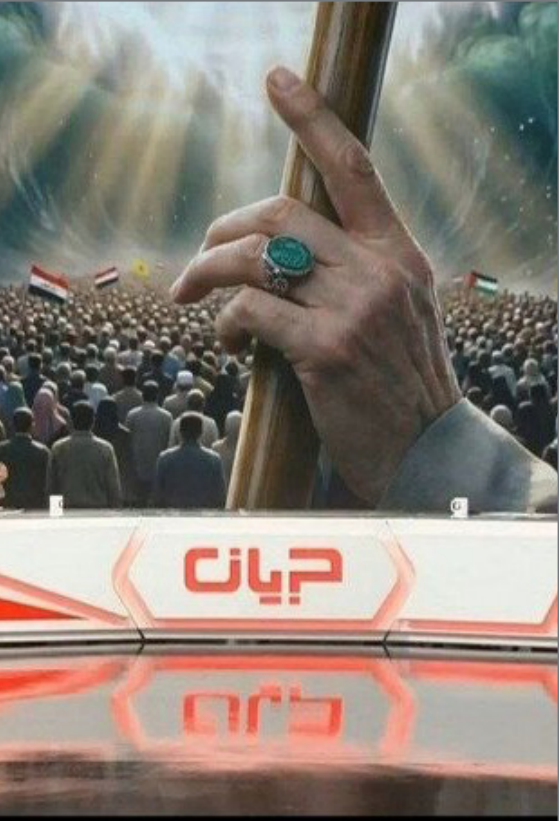
اندیشه جدیدانقلاب، مشارکت مردم در چارچوب دین

حکومت‌ها عمدتاً بر پایه قدرت ژاندارمی، کودتاها و ساختارهای وابسته به بلوک‌های قدرت جهانی شکل گرفته بودند؛ این کشورها یا در چتر نفوذ غرب بودند یا در مدار بلوک شرق، و در هر دو حال، الگوی توسعه، الگوی اقتدار و نوع رابطه حاکمیت با مردم، بیش از آن‌که از دل فرهنگ و ایمان جامعه برخاسته باشد، بر مبنای الگوهای تحمیلی یا تقلیدی تعریف می‌شد.» وی در ادامه می‌افزاید: «در چنین فضایی، انقلاب اسلامی ایران توانست با رجوع به ایمان و فرهنگ عمومی مردم و با بهره‌گیری از مرجعیت دینی، الگویی تازه از حضور مردم در عرصه سیاست و حاکمیت را به نمایش بگذارد».

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر اینکه «ایران برخلاف برخی کشورهای دیگر، سابقه تاریخی و فرهنگی ویژه‌ای در زمینه جنبش‌های مردمی دارد»، می‌گوید: «ایران در طول سده اخیر، از مشروطه تا نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، شاهد حرکت‌های متعددی بود که با نقش آفرینی علما، روشنفکران و نیروهای مردمی شکل می‌گرفت؛ اما بسیاری از این حرکت‌ها، یا در چارچوب نظام سلطنتی مشروطه متوقف ماند یا با کودتا‌های خارجی سرکوب شد.

انقلاب اسلامی، این سلسله تلاش‌ها را به اوج رساند و در نهایت، با پشتوانه رهبری امام خمینی (ره)، توانست طرحی نو دراندازد. پارسانیا با اشاره به اینکه «انقلاب اسلامی صرفاً جابه‌جایی قدرت در درون یک ساختار ثابت نبود»، تأکید می‌کند: «در این انقلاب، نه تنها شکل حاکمیت، بلکه مبانی مشروعیت و منبع اقتدار سیاسی دگرگون شد. به این معنا که، مردم با رأی خود، نظامی را برگزیدند که در آن، حاکمیت ملی و اراده عمومی، در چارچوب احکام و ارزش‌های دینی سامان می‌یابد و ولایت الهی و شریعت، صرفاً یک امر اخلاقی یا فردی تلقی نمی‌شود، بلکه در متن حقوق عمومی و ساختار سیاسی حضور دارد.» وی سپس، به مسئله «تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی و جاییگاه مردم‌سالاری دینی در میان آن‌ها» می‌پردازد و توضیح می‌دهد: «اگر ما نظام‌های سیاسی را بر اساس تعداد و نوع صاحبان قدرت تقسیم کنیم، معمولاً از دموکراسی، الیگارش‌ی و دیکتاتوری سخن می‌گوییم. در نگاه کلاسیک، دموکراسی نظامی است که در آن، مردم به‌طور مستقیم یا از طریق نمایندگان خود، در اداره امور مشارکت دارند؛ اما این تقسیم‌بندی، بیشتر بر کمیت مشارکت تأکید دارد تا بر "ماهیت" ارزش‌ها و مبانی‌ای که این مشارکت را جهت می‌دهد.» به گفته وی، «در لیبرال‌دموکراسی، فرض بر این است که اگر اکثریت مردم، چیزی را بخواهند و آن را حق خود بدانند، حاکمیت موظف است آن را تأمین کند؛ از این‌رو، حق و باطل، بیش از آن‌که به یک معیار ثابت ارزشی ارجاع داده شود، تابع اراده اکثریت است. بر این مبنا، آزادی فردی و حقوق شهروندی، عمدتاً در چهارچوب قراردادهای اجتماعی و خواست غالب جامعه تفسیر می‌شود.» پارسانیا ادامه می‌دهد: «اما در مردم‌سالاری دینی، هرچند رأی مردم نقش اساسی دارد و بدون حضور و اراده آنان، هیچ ساختار سیاسی پایدار شکی نمی‌گیرد، اما حق و باطل، حسن و قبح، عدل و ظلم، به رأی اکثریت واگذار نمی‌شود؛ بلکه معیارهای ثابتی در شریعت و عقل وجود دارد که هم مردم و هم حاکمان، باید خود را با آن‌ها تنظیم کنند.»

استاد دانشگاه تهران تأکید می‌کند: روزی است که این پیوند میان



انقلاب، به موضوع راهبری کشور توسط مردم در بازه زمانی انتقال رهبری پرداخت و گفت: این بُعد از مبعوث شدن که به معنای بر عهده گرفتن مسئولیت حفاظت از کشور در غیاب ولی فقیه توسط خود مردم است را ما مشاهده کردیم. شما پیش از شهادت رهبر، چه برداشتی از پیش‌بینی ایشان درباره مبعوث شدن مردم و حل بحران‌ها توسط آنان داشتید؟

رهدار در پاسخ با اعتراف به اینکه پیش‌تر تصویر روشنی از این موضوع نداشته و بهترین تفسیر را تطبیق کلام ایشان بر آیه «وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الذِّینِ اسْتَضَعُّوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ» و مفهوم امامت مستضعفان می‌دانسته است، تأکید کرد: حرکت عظیم مردمی امروز، محصول اتاق‌های فکر اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه یا نهادهای حکومتی نیست، بلکه جوشش خودانگیخته‌ی ملت است.

از میدان تا خیابان؛ عاملیت مردمی تصمیم گیرندگان نهایی
رهدار با تأیید این نکته، هماهنگی شگفت‌انگیز میان اجزای مختلف ملت را گواه یک تربیت مستمر و تدبیر الهی خواند و تصریح کرد: امروزه مردم بدون داشتن مرام‌نامه یا نقشه عملیاتی از پیش تعیین‌شده، کنش‌هایی نظیر قدم زدن، تکان دادن پرچم، سر دادن شعار و تبیین سیاسی را به گونه‌ای انجام می‌دهند که به دقت در پازل مبعوثیت امت جای می‌گیرد.



رأی مردم و حکومت دینی در آن روز سرنوشت ساز، به‌صورت رسمی و حقوقی در تاریخ ایران ثبت شد. در آن روز، اکثریت قاطع مردم ایران، با حضور در پای صندوق‌های رأی، اعلام کردند که خواهان نظام جمهوری اسلامی هستند. در این تعبیر، جمهوری ناظر به شکل مشارکت مردم در قدرت است و اسلامی ناظر به محتوا، جهت و ارزش‌های حاکم بر این قدرت.» وی اضافه می‌کند: «دربین ترتیب، مردم‌سالاری دینی نه در تعارض با رأی مردم است و نه رأی مردم را بی‌ابطله و مطلق می‌کند؛ بلکه رابطه‌ای دوسویه میان مردم و دین برقرار می‌سازد.»

پارسانیا سپس، با اشاره به «نقش فرهنگ و تجربه زیسته مردم در پدید آمدن این مدل» می‌گوید: «اگر انقلاب اسلامی توانست به‌سرعت از مرحله شور انقلابی عبور کند و در قالب یک نظام حقوقی تثبیت شود، به این دلیل بود که مردم ایران، هم در حافظه تاریخی خود، تجربه حکومت دینی و عدالت‌خواهی علوی را داشتند و هم در زندگی روزمرشان، دین را امری زنده، جاری و مؤثر در اخلاق، خانواده و مناسبات اجتماعی می‌دیدند. به تعبیر دیگر، انقلاب اسلامی حاصل یک بازگشت انتزاعی به دین نبود، بلکه تداوم و تعمیق همان دینی بود که در فرهنگ عمومی مردم حضور عینی و عملی داشت.»

وی درباره نسبت مردم‌سالاری دینی با حقوق بشر و آزادی‌های عمومی خاطرنشان می‌کند: «در تکرش لیبرالی، آزادی تا آن‌جا محترم است که با آزادی دیگران تعارض نداشته باشد و در چارچوب قراردادهای اجتماعی پذیرفته‌شده توسط اکثریت قرار گیرد؛ اما پرسش این است که اگر همین قرارداده‌ا، امر ناحقی را به رسمیت شناخت یا ارزش‌های متعالی انسانی را نادیده گرفت، چه باید کرد؟ مردم‌سالاری دینی درصدد است میان آزادی و اخلاق، میان حق و رأی اکثریت، نسبت متوازنی برقرار کند. در این نگاه، آزادی یک ارزش اصیل است، اما نه بی‌ابطله و رها از هر معیاری؛ بلکه آزادی در سایه عدالت، معنویت و کرامت انسانی معنا می‌یابد.»



پیام شیخ زکزاکی در تجلیل از رهبر شهید

■ مهدی رجا، سفیر جمهوری اسلامی ایران در نیجریه در سخنانی، گفت: چهل روز از روزهایی که غم عمیقی را برای یک ملت به ارمغان آورد، می‌گذرد – روزهایی که نام‌های خاصی را در حافظه جمعی ما حک کردند. در میان آنها نام آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر شهید ایران، به چشم می‌خورد که شهادتش تأثیر عمیق و ماندگاری بر وجدان ملت گذاشته است. نام او امروز نه تنها به عنوان یک خاطره، بلکه به عنوان نمادی از مقاومت، اعتقاد و استواری پابرجاست.

وی افزود: در کنار این، یاد کودکان بی گناه – دانش‌آموزان شهید مدرسه طیبه در شهرستان میناب که جانشان به طرز غم‌انگیزی گرفته شد – بیش از همه بر قلب‌های ما سنگینی می‌کند. کودکانی که نماد امید، آینده و نور بودند. کودکانی که باید آینده این ملت را در کلاس‌های درس خود می‌ساختند. امروز، نام آنها برای همیشه با مظلومیتی با حس عمیق معصومیت و بی‌عدالتی که هرگز محو نخواهد شد، به یاد آورده می‌شود.

رجا تأکید کرد: با این حال، ملتها تنها با غم و اندوه تعریف نمی‌شوند. آنچه یک ملت را تعریف می‌کند، نحوه استادگی آن در برابر سختی‌ها است. مردم ایران، در طول تاریخ، ملتی صلح‌طلب بوده‌اند – ملتی که به اصول حسن همجواری احترام گذاشته و آغازگر تجاوز نبوده است. اما همین ملت هرگز در مواجهه با تهدیدها علیه سرزمین، مردم و حاکمیت خود سکوت نکرده است. در لحظات خطر، به عنوان نمادی از شجاعت، دلاوری و پایداری قیام کرده است.

سفیر کشورمان خاطرنشان ساخت: در طول این چهل روز، این شقیقت بار دیگر آشکار شده است. مردم ایران در مواجهه با فشار و تهدید، محکم ایستادند. این مقاومت محدود به عرصه‌های رسمی نبود؛ بلکه در ذرون مردم – در همبستگی، صبر، وحدت و حمایت بی‌دریغ آنها از یکدیگر – وجود داشت.امروز، پس از این چهل روز مقاومت، شاهد یک تحول قابل توجه هستیم. حرکتی به سوی آتش‌ریس و توقف خصومت‌ها شکل گرفته است و چارچوب‌هایی برای کاهش تنش پذیرفته شده است.

وی در ادامه، گفت: این تحول صرفاً یک رویداد سیاسی نیست؛ بلکه بازتاب روشنی از قدرت اراده یک ملت است. وقتی مردمی قاطعانه از حقوق خود دفاع می‌کنند، واقعیت دیگران را وادار به پذیرش آن می‌کند.حرکت به سوی آتش‌ریس، پذیرش چارچوب‌ها و آغاز گفت‌وگو، همگی نشان می‌دهند که پایداری مردم ایران بیهوده نبوده است. این نشان دهنده قدرتی است که از درون یک ملت برمی‌خیزد- قدرتی که نه تنها در ابزارها، بلکه در وحدت، باور و عزم ریشه دارد.

رجا یادآور شد: این چهل روز یک تجربه تاریخی بوده است. تجربه‌ای که نشان داده وحدت ملی چقدر می‌تواند تمین‌کننده باشد. نشان داده است که وقتی مردم در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توانند حتی بر سخت‌ترین چالش‌ها غلبه کنند.

شیخ زکزاکی، رهبر جنبش اسلامی نیجریه به زبان هوسا در این باره، توضیح داد که چگونه شهادت سید قائد(ره) شباهتهایی با شهادت امام حسین(ع) دارد. در واقع، شهادت سید قائد جنبه‌هایی مشابه شهادت امام حسین (ع) در کربلا را نشان می‌دهد.

وی گفت: امام حسین (ع) در کربلا جان خود را فدا کرد تا حق را از باطل، عدالت را از ظلم تشخیص دهد و راه واقعی رهبری را نه تنها برای امت اسلام، بلکه برای تمام بشریت نشان دهد. «امام حسین (ع) جان خود را در کربلا فدا کرد تا به بشریت نشان دهد که حق کجاست، دین کجاست و رهبر برحق کیست»، «نه تنها بشریت، بلکه تمام بشریت فهمیدند که عدالت کجاست و ظلم کجاست».

شیخ زکزاکی اظهار داشت: اینکه چگونه امام حسین(ع) به همراه یاران و خانواده‌اش در دشت‌های بیابان با این نیت که مخفیانه کشته شوند، دستگیر شدند، اما پس از کشته شدن آنها، تنها در عرض چهل روز، قاتلان آنها تحقیر و رسوا شدند، تا جایی که یزید مجبور شد تمام شرایط تعیین شده توسط امام زین العابدین (ع) را قبل از بازگشت آنها به مدینه بپذیرد. ببینید، آنچه آنها انتظار داشتند، محقق نشد.فداکاری امام حسین(ع) این دین را احیا کرد و مشخص کرد که حق کجاست و ظالم کیست.

جمهوری اسلامی ایران؛ ملتی که با خون شهیدان، قامت دفاع از اسلام برافراشته است

وی همچنین، بیان کرد: در مورد سید علی خامنه‌ای(ره)، او می‌دانست که شهید خواهد شد. در واقع، خانواده متعال شهادت او را به تأخیر انداخته بود. از سال ۱۹۸۰ میلادی، بمبی برای او کار گذاشته بودند که منفجر شد و او را بدون نفس به بیمارستان منتقل کردند. اما بعداً نفقش را به دست آورد. اما منجر به از دست دادن کامل عملکرد دست راستش شد که تا زمان شهادتش آسیب دید.

شیخ زکزاکی ادامه داد: خانواده شهادت او را ۴۶ سال به تأخیر انداخت، می‌بینید، او واقعاً یک شهید است. مهم این است که او می‌دانست کشته خواهد شد، اما با این حال محکم ایستاد تا هر بلایی که سر قومش بیاید، سر خودش هم بیاید. حتی کسانی که با او بودند می‌دانستند چه بلایی سرشان می‌آید (شهادت). با این حال با او ثابت قدم ماندند، همانطور که کسانی که با امام حسین (ع) بودند، گفتند تا آخر با او می‌مانند. این افراد نیز می‌دانستند چه بلایی سرشان می‌آید و آنچه سرشان آمد، واقعاً سرشان آمد.

توافق شتاب‌زده با آمریکا به زیان تهران تمام می‌شود



کوتاه‌مدت همراه باشد. بر اساس تجربه گذشته ایران، می‌توان استدلال کرد که یک توافق شتاب‌زده با آمریکا برای پایان دادن به فشارهای اقتصادی، ممکن است کوتاه‌مدت بوده و در بلندمدت به زیان ایران تمام شود.

این رویکرد در واقع نوعی عمل‌گرایی است و ایران در دهه‌های اخیر این عمل‌گرایی را نشان داده است. کافی است به برجام اشاره کنیم که در آن تهران محدودیت‌های قابل‌توجهی را برای کاهش فشارها پذیرفت. اما این توافق به‌صورت یک‌جانبه توسط دولت نخست ترامپ لغو شد و به وضعیت کنونی انجامید. البته برخی تحلیل‌گران معتقدند که تدروها در آمریکا به‌خوبی می‌دانند ایران تسلیم نمی‌شود و صرفاً در حال زمینه‌سازی برای توجیه جنگ‌های بیشتر هستند. امید می‌رود چنین نباشد و افرادی در واشنگتن به پیامدهای این سیاست‌ها آگاه باشند.

از آغاز جنگ، مردم ایران هر شب در خیابان‌ها حضور یافته و از کشور خود حمایت کرده‌اند. آیا این اقدام جمعی به درک دقیق‌تر جهان از جامعه ایران کمک کرده است؟

بله، بدون تردید. این حمایت گسترده نشان داد که ایران صرفاً یک دولت نیست، بلکه یک تمدن با کد فرهنگی عمیق است.

این کد تاریخی شامل عناصر متعددی از جمله دولت‌داری باستانی، اسطوره، دین و تجربه مقاومت است.

در چنین شرایطی، جامعه متلاشی نمی‌شود، بلکه بسیج می‌شود. این تجمعات شبانه، نماد این تاب‌آوری تاریخی بودند و به جهان تصویری پیچیده‌تر و واقع‌بینانه‌تر از ایران ارائه دادند. با این حال، هنوز در رسانه‌های محافظه‌کار آمریکایی مانند فاکس‌نیوز روایت‌هایی مطرح می‌شود که ایران در آستانه فروپاشی است؛ روایتی که یادآور تبلیغات دوران جنگ ویتنام است.

تهدید ترامپ مبنی بر نابودی «تمدن ایران» چه تأثیری بر نگاه جهانی داشته است؟

چنین ادیبیتی در جهان امروز بسیار غیرعادی و خارج از چارچوب قابل قبول تلقی می‌شود. این نوع اظهارات به‌عنوان نشانه‌ای از تشدید خطرناک تنش‌ها دیده می‌شود و نگرانی‌هایی فراتر از یک کشور خاص ایجاد می‌کند تا جایی که مسئله به حق موجودیت تمدنی نیز کشیده می‌شود.

جنگ چهل‌روزه اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، فراتر از یک بن‌بست نظامی، شکاف عمیق فرهنگی و ادراکی را آشکار کرده است؛ شکافی که دهه‌ها دیپلماسی مبتنی بر فشار نتوانسته آن را پر کند. در حالی که واشنگتن همچنان به زبان ضرب‌الاجل، تهدید و زور متوسل می‌شود، تهران به‌طور مداوم با «صبر راهبردی» پاسخ داده است؛ رویکردی که ریشه در تمدنی با قدمت چند هزار ساله دارد، جایی که عزت و استقلال ملی، وزنی دارد که اغلب محاسبات راهبردی غرب را به چالش می‌کشد. برای درک بهتر این‌که چرا ایران تحت فشار تسلیم نمی‌شود، چگونه جامعه آن در برابر تهدید خارجی بسیج می‌شود و نیز برای روشن‌تر شدن ابعاد فرهنگی جنگ اخیر، «لانا رواندی-فادای» مدیر مرکز فرهنگی شرق در مؤسسه مطالعات خاورشناسی آکادمی علوم روسیه است. در گفتگویی مفصل، رواندی-فادای به تشریح چارچوب تمدنی تصمیم‌گیری در ایران، نقش همبستگی اجتماعی در تغییر برداشت‌های جهانی و همچنین سابقه خطرناکی که در صورت بی‌پاسخ ماندن تخریب میراث فرهنگی مشترک بشر ایجاد می‌شود، پرداخت.

متن کامل این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

چرا به نظر می‌رسد واشنگتن قادر به درک این موضوع نیست که در فرهنگ ایرانی، مفهوم «تسلیم» اغلب به‌عنوان امری غیرممکن تلقی می‌شود؟ با توجه به این شکاف فرهنگی، چگونه باید وضعیت کنونی را تفسیر کرد که در آن آمریکا همچنان به تهدیدهای علنی ادامه می‌دهد، در حالی که میانه‌چی‌های منطقه‌ای در تلاش برای ترتیب دادن دور دوم مذاکرات هستند؟ مشکل تنها سیاسی نیست، بلکه عمیقاً فرهنگی است. طی دهه‌ها، واشنگتن به‌طور فزاینده‌ای سیاست خارجی خود را بر منطق فشار و اجبار بنا کرده و بر این فرض پیش رفته است که هر کشوری در نهایت، زمانی که هزینه مقاومت به حد بحرانی برسد، به آنچه سیاستمداران و نظامیان تندرو «امتیاز عقلانی» می‌نامند تن خواهد داد. دونالد ترامپ این رویکرد ته‌اجمی را با وجود وعده‌های انتخاباتی خود درباره ایجاد صلح در جهان به سطحنی بی‌سابقه رسانده است. منطق «زور حق می‌آورد» یا «طااعت کن یا پیامدار را بپذیر» ممکن است در برخی موارد کارساز باشد، اما در مورد دولت‌های تمدنی مانند ایران که در آن عزت ملی اغلب از رفاه مادی اهمیت بیشتری دارد، گمراه‌کننده است.

فرهنگ و هویت ایرانی که حاصل هزاران سال تاریخ، تولیدات هنری و علمی، تجربه تجاوزات خارجی و میراث انقلابی است، ریشه‌هایی عمیق‌تر از ایدئولوژی سیاسی، ترکیب قومی و منافع کوتاه‌مدت اقتصادی و نظامی دارد. ایران مجموعه‌ای از اقوام و دیدگاه‌های مختلف است، اما در عین حال، همبستگی ملموسی میان مردم و احساس قوی و پایدار هویت ایرانی وجود دارد. می‌توان آن را مانند لایه‌های خاک در یک محوطه باستان‌شناسی تصور کرد؛ لایه‌هایی متفاوت که در طول زمان روی هم انباشته شده و در عین تفاوت، در یک کلیت واحد به هم پیوسته‌اند. همچنین نباید فراموش کرد که این هویت دارای مؤلفه‌ای از یشار است که با وجود ساده‌سازی در غرب کمتر دیده می‌شود و شاید درک آن برای آنها دشوار باشد.

وسعت تاریخ ایران باعث شده مفهوم زمان نیز متفاوت درک شود. برخلاف انتظار غرب‌گرایان، آمریکا امروز به زبان فشار و ضرب‌الاجل سخن می‌گوید و به دنبال دستاوردهای سریع سیاسی است.

در مقابل، ایران بر صبر راهبردی و محاسبه بلندمدت تکیه دارد. هرچند عزت و غرور ملی نقش مهمی در تصمیم‌گیری دارد، این به معنای رفتار «غیرعقلانی» نیست، حتی اگر با دشواری‌های



گام‌های واپس‌گرایانه آمریکا

روزنامه خلق چین طی یادداشتی نوشت: در پی حملات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، آشوب‌های جاری در خاورمیانه توجه جهانیان را جلب کرده است. در حالی که جامعه بین‌المللی امیدوار است که این بحران به زودی به پایان برسد، سوالی که مطرح می‌شود این است که چرا جنگی علیه ایران آغاز شد؟ مفهوم «هژمونی غارتگرانه»، که توسط استفان والت، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد مطرح شده، دیدگاهی جدید برای درک منطق سیاست خارجی آمریکا ارائه می‌دهد.

الگوی دروغ‌های ترامپ: آمار تلفات آمریکا در جنگ با ایران چگونه محو شد؟

در این گزارش آمده است: والت «هژمونی غارتگرانه» را به معنای استفاده آمریکا از موقعیت ویژه خود در سیستم بین‌المللی برای اخذ امتیازها، مالیات‌ها و انطباق از متحدان و مخالفان خود می‌داند. در واقع، آمریکا تمام روابط دو جانبه خود را به‌عنوان یک بازی صفر جمع می‌بیند که در آن تلاش می‌کند حداکثر منافع را از هر تعامل بدست آورد. اصل اصلی این سیاست این است که «آنچه که مال من است مال من است و آنچه که مال توست قابل مذاکره است.»

این روزنامه ادامه داد: عملکرد آمریکا به وضوح نشان‌دهنده این «هژمونی غارتگرانه» است. از خروج بی‌پروا از توافقی‌های بین‌المللی و کنار گذاشتن مسئولیت‌های بین‌المللی، تا استفاده گزینشی از قوانین بین‌المللی؛ از تهدیدات اقتصادی از طریق تعرفه‌ها و جنگ‌های تجاری، تا استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی نظامی علیه کشورها و تصاحب منابع و اراضی... تمامی این رفتارها به وضوح نشان می‌دهد که آمریکا در حال فروپاشی به سیستمی است که در آن «قدرت حق است.»

این گزارش می‌افزاید: این «فروپاشی» در دو سطح نمایان می‌شود. نخست، در نقش آمریکا. بعد از جنگ سرد، در حالی که آمریکا همچنان هژمونی خود را حفظ کرده بود، حداقل به‌طور ظاهری تصویری از یک کشور «مستول» ارائه می‌داد که به حفظ اتحادها، ارائه برخی کالاهای عمومی بین‌المللی و تسلط بر تنوین و اجرای قوانین بین‌المللی می‌پرداخت. اکنون، این ماسک به سرعت در حال کنار رفتن است و آمریکا به یک «نقض‌کننده قوانین» و «خرابکار همکاری‌ها» تبدیل شده است که به‌جای استفاده از قوانین جهانی، به «قانون جنگل» روی آورده است.

در این گزارش خاطرنشان شده است: دوم، کاهش در نگاه استراتژیک. کاهش نسبی هژمونی آمریکا، که در داده‌های بانک جهانی مشاهده می‌شود.

توجهی در آمارهای تجارت خارجی ترکیه محسوب می‌شود. علاوه بر این، ترکیه از حیث تأمین تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز خود، به همکاری انگلیس نیازمند است.

روزنامه حریت چاپ آنکارا در گزارشی به این اشاره کرده که روابط دو جانبه بین ترکیه و انگلیس به عنوان دو متحد ناتو و شریک استراتژیک در همه زمینه‌ها، به ویژه تجارت، سرمایه‌گذاری و صنایع دفاعی در حال پیشرفت است. طرفین همچنین در تلاشند تا از طریق گفتگوی نزدیک و هماهنگی در مواجهه با بحران‌های منطقه و چالش‌های جهانی، راه‌حلهایی را با هدف تضمین امنیت، ثبات و رفاه ارائه دهند.

از کامرون تا استامبر

اگر چه روابط ترکیه و انگلیس از پس‌زمینه تاریخی دور و درازی برخوردار است اما از سال ۲۰۰۲ میلادی به این سو و در دوران زمامداری حزب عدالت و توسعه، رابطه بین آنکارا و لندن، فراز و نشیب‌های متعددی را تجربه کرده است. از روزی که اردوغان و رفقای او در آنکارا قدرت را در دست گرفتند، این افراد به عنوان نخست وزیر انگلیس بر صحنه سیاست ظاهر شده‌اند:

تونی بلر

گوردون براون

دیوید کامرون

ترزا می

بوریس جانسون

لیز تراس

ریشی سوناک

کی یر استارمر

مرور لیست باال نشان می‌دهد که در دوران ۲۴ ساله زمامداری حزب اردوغان و رفقای او، تاکنون ۸ بار پست نخست وزیری انگلیس دست به دست شده است. احتمالاً در این لیست، نام دو نفر بیش از سایرین در ذهن مقامات ترکیه باقی مانده است. اول دیوید کامرون که به شکل آشکار یک سیاستمدار ترکیه ستیز بود و قبل از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا اعلام کرده بود که ترکیه تا سیصد سال دیگر هم عضو اتحادیه نخواهد شد؛ دوم بوریس جانسون که با تکیه بر هویت ترکی جذ خود، نزد مقامات ترکیه و افکاری عمومی این کشور محبوبیت زیادی پیدا کرد و در دوران او روابط بین آنکارا و ترکیه

روابط ترکیه و انگلیس در چند سال گذشته با پیشرفت قابل توجهی روبرو بوده است. سفر چند روزه هاگان فیدان وزیر امور خارجه ترکیه به لندن و دیدارهای او با مقامات انگلیس، نشان دهنده آن است که طرفین برنامه بلندمدتی برای ارتقای سطح همکاری‌های دارند. چرا که در این سفر «سند چارچوب مشارکت استراتژیک» بین ترکیه و انگلیس امضا شد که هدف از آن تقویت مشارکت استراتژیک بین آنکارا و لندن و گسترش دامنه همکاری‌ها است.

فیدان و کوپر پس از امضای این سند اعلام کردند که ترکیه و انگلیس به عنوان دو دوست قدیمی و دو متفق عضو پیمان نظامی ناتو، اراده‌ای واضح برای توسعه همکاری در همه حوزه‌ها دارند.

«سند چارچوب مشارکت استراتژیک» به این اشاره کرده که ترکیه و انگلیس، این دو متحد ناتو با گسترش دامنه همکاری از طریق گفتگوی نزدیک در سطوح دو جانبه و چند جانبه، در طیف وسیعی از زمینه‌ها از امنیت گرفته تا تغییرات اقلیمی، از توسعه انسانی گرفته تا علم و فناوری، همکاری خواهند کرد.

علاوه بر حوزه‌های سیاسی – دفاعی و اقتصادی، در بخش‌های مبتنی بر تخصص قضایی، حقوقی و اطلاعاتی، همکاری‌هایی در حوزه‌های مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته، جرایم تأمین مالی تروریسم و پولشویی، جرایم دیجیتال، مبارزه با اطلاعات نادرست، فرآیندهای فاجعه‌بار و حل پرونده‌های معوقه، در جریان خواهد بود.

در بیانیه مشترک ترکیه و انگلیس آمده است: «این سند، پایه محکمی برای تقویت گفتگو و همکاری بین دو متحد ناتو و شرکای استراتژیک است که دوستی تاریخی، روابط دو جانبه عالی و دیدگاه مشترکی در مورد طیف وسیعی از مسائل بین‌المللی و چالش‌های جهانی و اراده قوی برای امنیت و ثبات خاورمیانه، دارند.»

همچنین ایوب کوپر، وزیر امور خارجه انگلیس در بیانیه‌ای از حساب کاربری ایکس X خود گفت: «در حالی که ما به دنبال راه‌حلی دیپلماتیک برای وضعیت خاورمیانه هستیم، ترکیه همچنان شریکی ضروری برای امنیت جهانی است. من با هاگان فیدان توافق کردم که همکاری‌هایمان را به عنوان متحدان ناتو تعمیق بخشیم و روابط اقتصادی خود را برای تقویت امنیت و رفاه مشترکمان افزایش دهیم.»

انگلیس به عنوان یکی از کشورهای فروتمند اروپایی، با ترکیه توافقی نامه تجارت آزاد امضا کرده و حجم مبادلات تجاری بین آنکارا و لندن در سال ۲۰۲۵ میلادی به ۲۴ میلیارد دلار رسید که رقم قابل



از شوک هرمز تا بحران غذا و انرژی

تجاوزگری آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران از همان روزهای نخست، فقط معادلات امنیتی غرب آسیا را به‌هم نریخت؛ موج آن از تنگه هرمز عبور کرد و به پمپ‌بنزین‌ها، فرودگاه‌ها، کارخانه‌ها، مزارع و سفره خانوارهای اروپایی رسید. حالا بروکسل با بحرانی روبه‌روست که نه صرفاً افزایش قیمت نفت است و نه فقط اختلالی موقت در بازار انرژی؛ بلکه زنجیره‌ای از فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که از سوخت و کود آغاز می‌شود و به تورم غذایی، رکود صنعتی و نارضایتی عمومی ختم می‌شود.

همین جاست که پرسش اصلی پیش روی اروپا قرار می‌گیرد: قاره‌ای که سال‌ها از تاب‌آوری و خودمختاری راهبردی سخن گفته، تا کجا حاضر است هزینه جنگی را بپردازد که واشنگتن و تل‌آویو علیه ایران به راه انداخته‌اند؟

زنجیره بحران‌های اروپا در پی تجاوز علیه ایران

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، برای اروپا فقط یک بحران انرژی نیست؛ این تجاوز یک زنجیره فشار چندلایه ایجاد کرده که از تنگه هرمز شروع شده و به هزینه واردات سوخت، ذخایر گاز، سوخت جت، بنزین، کود، غذا، تورم، رکود و معیشت خانوارهای اروپایی رسیده است.

الف) شوک انرژی و جهش هزینه واردات سوخت

بسته و ناامن‌شدن تنگه هرمز، اروپا را با شوک قیمتی مستقیم روبه‌رو کرده است. رویترز ۲۴ آوریل (چهارم اردیبهشت) گزارش داد قیمت نفت برنت به ۱۰۶۰۶ دلار و نفت وست‌تگزاس به ۹۶۵۶ دلار در هر بشکه رسیده و برنت طی هفته جاری ۱۷.۱۲ درصد رشد کرده است. در همین گزارش آمده که بسته‌شدن تنگه هرمز پس از آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، حدود ۲۰ درصد عرضه جهانی نفت و آل‌ان‌جی را تحت تأثیر قرار داده است.

کمسیون اروپا نیز اعلام کرده که اختلال در عرضه نفت و گاز خاورمیانه، در ۵۰ روز نخست جنگ حدود ۲۴ میلیارد یورو به صورت‌حساب واردات سوخت‌های فسیلی اتحادیه اروپا اضافه کرده است؛ یعنی اروپا بدون دریافت انرژی بیشتر، فقط بابت گرانی ناشی از جنگ، هزینه مضاعف پرداخته است.

ب) بحران ذخایر گاز و زمرسانی آینده

بحران فقط مربوط به قیمت روز نفت نیست؛ اروپا در حال از دست دادن حاشیه امنیت زمستانی خود است. آژانس همکاری نهادهای انرژی (ACER) اعلام کرده است که اتحادیه اروپا احتمالاً به هدف پر کردن ۹۰ درصدی ذخایر گاز پیش از زمستان نمی‌رسد و شاید تنها به سطح ۸۰ درصد برسد؛ آن هم با هزینه بالا و آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های تازه. ذخایر گاز اروپا اکنون فقط ۳۱ درصد پر است که پایین‌ترین سطح این فصل از سال از زمان بحران ۲۰۲۲ محسوب می‌شود.

ج) بحران سوخت جت و اختلال در حمل‌ونقل هوایی

یکی از ملموس‌ترین آثار بحران برای شهروندان اروپایی، حمل‌ونقل هوایی است. طبق گزارش رویترز از بسته اضطراری کمیسون اروپا، اتحادیه اروپا حدود ۴۰ درصد سوخت جت خود را وارد می‌کند و نیمی از این واردات از مسیر تنگه هرمز می‌آید. فرودگاه‌ها هشدار داده‌اند که اروپا ممکن است ظرف چند هفته با کمبود سوخت جت روبه‌رو شود. «کریستین لاگارد» رئیس بانک مرکزی اروپا نیز در سخنرانی ۲۰ آوریل (۳۱ فروردین) گفت قیمت سوخت جت از آغاز جنگ تقریباً دو برابر شده و از اوایل آوریل در برخی فرودگاه‌ها جیره‌بندی موضعی اعمال شده است.

د) جهش قیمت بنزین و فشار مستقیم بر خانوارها

افزایش قیمت نفت و مالیات بالای سوخت در اروپا، فشار را سریع به مصرف‌کننده منتقل کرده است. طبق داده‌های «گلوبال پترول پرایس» در ۲۰ آوریل، قیمت بنزین اکتان ۹۵ آلمان ۲.۴۱ دلار در هر لیتر، در فرانسه ۲.۳۲ دلار در هر لیتر و در نروژ ۲.۲۹ دلار در هر لیتر بوده است. این ارقام معادل تقریبی ۹.۱۲ دلار برای هر گالن در آلمان، ۸.۷۸ دلار در فرانسه و ۸.۶۷ دلار در نروژ است. بنابراین، جنگی که در غرب آسیا آغاز شده، برای شهروند اروپایی خود را در پمپ بنزین، بلیت هواپیما، هزینه حمل کالا و قبض انرژی نشان می‌دهد.

ه) سرایت بحران انرژی به کود و غذا

انرژی گران، فقط سوخت را گران نمی‌کند بلکه کود و غذا را هم تحت فشار قرار می‌دهد. رویترز به نقل از اطلاعات دریافتی از اتحادیه اروپا گزارش داده که قیمت کود نیتروژنی در اروپا در مارس ۲۰۲۶، در سایه تحولات خلیج فارس، حدود ۵۸ درصد بالاتر از میانگین ۲۰۲۴ بوده است. همچنین حدود یک‌سوم تجارت جهانی کود از تنگه هرمز عبور می‌کند. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، فائو، هشدار داده که بحران طولانی در هرمز می‌تواند با اختلال در صادرات انرژی و کود، قیمت غذا را بالا ببرد و بازده محصولات کشاورزی را کاهش دهد. برنامه عمران سازمان ملل نیز هشدار داده که اختلال در سوخت و کود، هم‌زمان با فصل کشت، می‌تواند بیش از ۳۰ میلیون نفر را دوباره به فقر بکشانند و اثرات آن حتی در صورت توقف فوری جنگ هم باقی می‌ماند.

بر پایه اظهارات کریستین لاگارد رئیس بانک مرکزی اروپا، حدود یک‌سوم تجارت دریایی کود از تنگه هرمز عبور می‌کند.



اختلال تنگه‌هرمز

■ با تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های اعمال‌شده در تنگه هرمز، یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های تجارت جهانی، اکنون مسئله دسترسی ایران به مسیرهای جایگزین برای تداوم صادرات و واردات بیش از هر زمان دیگری به یک ضرورت راهبردی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، نگاه‌ها به سمت بنادر شمالی کشور در حاشیه دریای خزر معطوف شده؛ ظرفیتی که سال‌ها کمتر مورد توجه بوده اما اکنون می‌تواند به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان در برابر فشارهای خارجی ایفای نقش کند.

هرمز؛ گلوگاه اقتصاد جهانی در تلاطم بحران
مسعود بل‌مه، دبیر انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته، در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به جایگاه راهبردی تنگه هرمز، اظهار کرد: تنگه هرمز یک گلوگاه استراتژیک اقتصادی، جغرافیایی و نظامی است که حتی بدون انسداد قطعی نیز اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده و موجب افزایش نرخ تمام‌شده کالاها شده است. وی افزود: اگر سناریوی انسداد کامل در تنگه هرمز رخ دهد، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد حامل‌های انرژی مورد مصرف جهان دچار اختلال جدی خواهد شد و این مسئله می‌تواند قیمت نفت را از حدود ۱۱۵ دلار به ۲۰۰ دلار در هر بشکه افزایش دهد.

بل‌مه با تأکید بر پیامدهای چندلایه این وضعیت تصریح کرد: در صورت تشدید محدودیت‌ها، نه‌تنها اقتصاد جهانی دچار اختلال می‌شود بلکه روند تولید و تجارت نیز با کاهش جدی مواجه خواهد شد. سهم خلیج فارس از تجارت جهانی بیش از ۲۰ درصد است و سالانه بیش از ۱۶۰۰ میلیارد دلار تبادلات مالی در این منطقه انجام می‌شود که در هفته‌های اخیر این روند با اختلال جدی مواجه شده است.

تجارت جهانی روی آب؛ ضرورت دسترسی به مسیرهای دریایی
در همین راستا، حسن بی‌ک‌محمدلو، رئیس سابق کمیته توسعه دریامحور مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با اشاره به وابستگی شدید تجارت جهانی به دریا، گفت: نزدیک به ۹۰ درصد جریان تجاری جهان از طریق دریا انجام می‌شود و دسترسی به مسیرهای دریایی یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت اقتصادی کشورهاست. وی افزود: ایران از یک سو به آب‌های جنوبی و شمالی دسترسی دارد و از سوی دیگر، تنگه هرمز به‌عنوان اتصال‌دهنده خلیج فارس به دریای عمان، جایگاهی راهبردی دارد.

بی‌ک‌محمدلو با اشاره به عبور روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز تأکید کرد: اهمیت این تنگه به‌گونه‌ای است که حدود ۲۰ درصد نفت خام جهان و مشتقات نفتی و همچنین ۱۵ درصد مواد شیمیایی، کودها و محصولات پایه‌ای مانند آوره از این مسیر عبور می‌کند.

وی در پایان گفت: عبور روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز، نقشی تعیین‌کننده در ثبات قیمت جهانی نفت دارد؛ به‌طوری‌که هر گونه تغییر در قیمت نفت، تأثیر مستقیمی بر تولید جهانی و اقتصاد کشورها می‌گذارد.

بنادر شمالی؛ ظرفیت مغفول اما حیاتی

در شرایطی که دسترسی به آب‌های جنوبی با محدودیت مواجه شده، بنادر شمالی ایران در حاشیه دریای خزر می‌توانند نقش مکمل و حتی جایگزین نسبی را ایفا کنند. بنادر انزلی، امیرآباد، نوشهر و کاسپین از جمله مهم‌ترین بنادر فعال در این منطقه هستند که هر یک دارای ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه تخلیه و بارگیری کالا، ترانزیت و اتصال به شبکه‌های حمل‌ونقل داخلی هستند.

بندر امیرآباد به‌عنوان بزرگ‌ترین بندر حاشیه خزر در ایران، با برخورداری از اسکله‌های متعدد، خطوط ریلی متصل به شبکه سراسری و ظرفیت بالای انبارداری، یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای جبران بخشی از محدودیت‌های جنوب کشور محسوب می‌شود. این بندر قابلیت جابه‌جایی میلیون‌ها تن کالا در سال را دارد و می‌تواند به‌عنوان هاب ترانزیتی در کریدور شمال-جنوب ایفای نقش کند.

بندر انزلی نیز با قرارگیری در منطقه آزاد و دسترسی به بازارهای کشورهای حاشیه خزر، از ظرفیت‌های ویژه‌ای برای توسعه تجارت برخوردار است. وجود زیرساخت‌های لجستیکی و نزدیکی به مراکز صنعتی، این بندر را به یکی از نقاط کلیدی در زنجیره تأمین کالا تبدیل کرده است.

از سوی دیگر، بندر کاسپین به‌عنوان یکی از پروژه‌های جدیدتر، با هدف توسعه تجارت دریایی در منطقه آزاد انزلی ایجاد شده و می‌تواند در آینده نقش پررنگ‌تری در جابه‌جایی کالا ایفا کند.

چالش‌های عملیاتی؛ از محدودیت عمق تا ناوگان
با وجود این ظرفیت‌ها، بنادر شمالی کشور با چالش‌هایی نیز مواجه هستند که نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. محدودیت عمق آب‌خور در دریای خزر باعث می‌شود کشتی‌های بزرگ امکان تردد نداشته باشند و این موضوع حجم جابه‌جایی کالا را نسبت به بنادر جنوبی کاهش می‌دهد.

همچنین ناوگان کشتیرانی در دریای خزر به‌طور نسبی محدودتر از آب‌های آزاد است و این مسئله نیازمند سرمایه‌گذاری جدی در توسعه کشتی‌های مناسب برای این پهنه آبی است. از سوی دیگر، اتصال کامل و یکپارچه زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای به بنادر شمالی همچنان در برخی نقاط با کاستی‌هایی همراه است که باید در کوتاه‌مدت برطرف شود.

هزینه‌های پنهان لوازم خانگی قدیمی

■ یخچال و فریزرهای قدیمی هر ماه چند کیلووات ساعت برق می‌بلعند؟ لوازم خانگی قدیمی برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی حکم عضو قدیمی خانه را دارند یخچالی که از دوران چهل‌وپه‌مادر در آشپزخانه است یا فریزری که سال‌هاست بی‌وقفه کار می‌کند و هنوز خراب نشده اما آنچه اغلب دیده نمی‌شود هزینه برق این دستگاه‌هاست یخچال و فریزر به طور متوسط ۲۴ ساعت شبانه روز در حال کار هستند و طبیعی است که سهم بزرگی در مصرف برق خانوار داشته باشند

آمارهای برآوردی مبتنی بر برچسب‌های انرژی نشان می‌دهد یک یخچال فریزر معمولی ۱۵ تا ۲۰ ساله با رده انرژی قدیمی می‌تواند سالانه بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلووات ساعت برق مصرف کند در حالی که یک یخچال فریزر جدید با رده انرژی A یا بالاتر حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ کیلووات ساعت در سال مصرف دارد یعنی تقریباً نصف یا حتی کمتر. اگر این تفاوت را به قبض برق ترجمه کنیم با تعرفه‌های فعلی و پلکانی شدن نرخ‌ها یک خانواده شهری که یخچال قدیمی در خانه دارد ممکن است سالانه چند صد هزار تومان فقط اضافه به خاطر همین اختلاف مصرف بپردازد کارشناسان انرژی می‌گویند در مناطق گرم ایران که یخچال و فریزر فشار بیشتری را تحمل می‌کنند این فاصله بیشتر هم می‌شود چون موتور دستگاه زمان بیشتری روشن می‌ماند یک کارشناس مدیریت انرژی در این باره می‌گوید در بسیاری از منازل وقتی یخچال قدیمی روی تراس یا کنار اجاق گاز قرار گرفته مصرفش به شدت بالا می‌رود ما در بازدیدهای میدانی دیده‌ایم که برخی یخچال‌های قدیمی در شرایط نامناسب دو برابر عدد درج شده روی برچسب انرژی مصرف دارند.

راه حل اما همیشه تعویض فوری دستگاه نیست از نگاه کارشناسان چند اقدام ساده می‌تواند تا حدی مصرف همین یخچال‌های قدیمی را کاهش دهد تنظیم دمای یخچال روی عدد مناسب نه خیلی سرد باز و بسته نکردن بی‌مورد درها تمیز کردن لاستیک‌های دور در برای جلوگیری از ورود هوا و فاصله دادن چند سانتی متری آن از دیوار برای گردش هوا در پشت دستگاه از جمله توصیه‌های اصلی است در مقابل نگه داشتن مواد غذایی داغ در یخچال چیدن بیش از حد مواد تا جایی که هوا درون دستگاه گردش نکند و قرار دادن یخچال کنار اجاق گاز از عواملی است که مصرف را بالا می‌برد با این حال اگر عمر یخچال از ۱۵ سال گذشته باشد حتی با رعایت همه این نکات همچنان مصرف آن قابل مقایسه با یک دستگاه جدید نخواهد شد و به گفته متخصصان وقت آن است که خانواده‌ها به صرفه اقتصادی تعویض فکر کنند نه فقط هزینه اولیه خرید.

کولرهای قدیمی و پنکه‌های بر مصرف زیر ذره‌بین تابستان داغ
اوج بحران مصرف برق در ایران هر سال در ماه‌های گرم و به خصوص تیر و مرداد رقم می‌خورد و نام کولرها بیش از هر وسیله دیگری در این بحث شنیده می‌شود کولرهای آبی قدیمی با پمپ‌ها و یندام‌های فرسوده و کولرهای گازی نسل قبلی که رده انرژی پایینی دارند سهم قابل توجهی در خاموشی‌های احتمالی و فشار به شبکه سراسری دارند برآوردها نشان می‌دهد یک کولر گازی قدیمی با کمپرسور معمولی می‌تواند تا دو برابر یک کولر گازی اینورتر کم

در مورد کولرهای آبی هم ماجرا مشابه است یک کولر آبی یا موتور فن قدیمی به دلیل راندمان پایین و اصطکاک بالا می‌تواند چند برابر یک موتور تعویض شده و نو برق مصرف کند تعویض پمپ آب و سرویس سالانه کولر که گاه از سر صفره جویی به تعویق می‌افتد می‌تواند هم میزان خنک‌کنندگی را بیشتر کند و هم مصرف برق را کاهش دهد یک کارشناس تعمیرات لوازم سرمایشی می‌گوید خانواده‌ای که هر تابستان سرویس کولر را جدی می‌گیرد و تسهه و پمپ را به موقع تعویض می‌کند در عمل قسمتی از هزینه خود را در قبض برق پس می‌گیرد و علاوه بر آن خرابی‌های ناگهانی در اوج گرما را هم کمتر تجربه می‌کند.

تفاوت مصرف بین مدل‌های قدیمی و جدید وقتی بیشتر خودش را نشان می‌دهد که به جمع اثر آنها در سطح شهر یا کشور نگاه کنیم اگر فقط ۱۰ درصد کولرهای گازی فرسوده در مناطق گرمسیری با مدل‌های کم مصرف جایگزین شوند بر اساس محاسبات تقریبی می‌توان از مصرف صدها مگاوات برق در ساعات اوج بار کاست عددی که معادل تولید چند نیروگاه متوسط است و معنای آن کاهش احتمال خاموشی و صرفه جویی عظیم در سوخت نیروگاه‌هاست.

ماشین لباسشویی و تلویزیون قدیمی؛ ربال‌هایی که قطره قطره می‌روند
در کنار یخچال و کولر دو وسیله دیگر هم نقش پنهانی در افزایش مصرف برق دارند ماشین لباسشویی و تلویزیون بسیاری از خانواده‌ها هنوز از ماشین‌های لباسشویی قدیمی درب یا بالا یا مدل‌های نسل اول اتوماتیک استفاده می‌کنند این دستگاه‌ها معمولاً برنامه‌های شستشوی طولانی‌تر و موتورهای کم راندمان‌تری دارند در حالی که ماشین‌های نسل جدید ضمن استفاده از موتورهای کم مصرف از فناوری‌هایی مانند شستشوی اقتصادی و سنجش وزن لباس بهره می‌برند که مصرف آب و برق را با هم کاهش می‌دهد بررسی‌ها نشان می‌دهد یک ماشین لباسشویی قدیمی می‌تواند در هر بار شستشو تا دو برابر یک دستگاه جدید انرژی مصرف کند اگر خانواده‌ای در هفته



چند بار لباسشویی را روشن می‌کند این اختلاف در طول ماه به عدد قابل توجهی تبدیل می‌شود.

تلویزیون هم اگرچه در ظاهر مصرف کمتری نسبت به کولر و یخچال دارد اما در خانواده‌هایی که چند ساعت در روز تلویزیون روشن است می‌تواند در مجموع اثرگذار شود تلویزیون‌های قدیمی لامپی یا پلاسما انرژی بسیار بیشتری نسبت به تلویزیون‌های LED و LCD امروزی می‌گیرند به طور تقریبی یک تلویزیون پلاسما ۴۰ اینچ ممکن است دو تا سه برابر یک تلویزیون LED با همان اندازه برق مصرف کند کاهش روشنایی تصویر استفاده از حالت صرفه جویی در انرژی و خاموش کردن دستگاه به جای قرار دادن طولانی مدت روی حالت آماده به کار از راهکارهای ساده‌ای است که کارشناسان به آن اشاره می‌کنند.

آنچه در نهایت از دید کارشناسان اهمیت دارد نگاه بلندمدت به هزینه‌هاست بسیاری از خانواده‌ها هنگام خرید لوازم خانگی تنها به قیمت اولیه توجه می‌کنند و گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که ارزان‌تر است اما هزینه واقعی یک دستگاه فقط قیمت خرید نیست بلکه مصرف انرژی آن در طول عمر مفیدش هم باید محاسبه شود محاسبات ساده نشان می‌دهد که تفاوت مصرف برق بین یک دستگاه قدیمی و یک دستگاه کم مصرف جدید می‌تواند در چند سال هزینه اولیه خرید را جبران کند و پس از آن عملاً خانواده هر ماه در قبض برق سود خواهد کرد در عین حال کاهش مصرف برق به معنای کاهش فشار بر شبکه و نیروگاه‌ها و نهایتاً کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و آلودگی هواست.

کارشناسان سیاستگذاری انرژی معتقدند اگر خانواده‌ها هنگام تصمیم برای تعویض لوازم خانگی تنها دو سوال از خود پرسند یعنی این دستگاه در سال چقدر برق می‌خورد و در پنج سال آینده مجموع هزینه برق آن چقدر می‌شود بخش بزرگی را انتخاب‌ها تغییر می‌کند.

توسعه سوخت‌های جایگزین راهی برای مهار رشد مصرف بنزین



■ روند فزاینده مصرف بنزین در کشور طی سالهای اخیر به چالشی جدی برای نظام انرژی ایران تبدیل شده و نشانه‌های آن را می‌توان در افزایش فاصله میان تولید و مصرف تشدید نیاز به واردات و فشار مضاعف بر منابع مالی ملی مشاهده کرد در چنین شرایطی ضرورت دارد که موضوع مدیریت مصرف از سوی مردم و نیز تنوع بخشی به سید سوخت از سوی سیاستگذاران همزمان و هدفمند دنبال شود زیرا تمرکز یکجانبه بر بنزین به معنای تکیه بر تنها یک پایه تأمین انرژی است و این وابستگی ریسک پذیری سیستم را بالا برده و امنیت انرژی را کاهش می‌دهد بر همین اساس تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد که پایداری نظام انرژی در گرو اصلاح الگوی مصرف و توسعه سوخت های جایگزین همچون سی ان جی و ال پی جی است که می‌تواند ترکیب سوخت را متنوع و فشار بر بنزین را کاهش دهد.

افزایش مصرف بنزین و پیامدهای آن برای اقتصاد و امنیت انرژی
مصرف بنزین در ایران سال‌هاست که روندی صعودی را تجربه می‌کند و این روند ارتباط مستقیمی با نرخ بالای مالکیت خودرو قیمت بارانه ای سوخت و توسعه نامتوازن حمل و نقل عمومی دارد این عوامل موجب شده اند که تقاضای بنزین در روزهای اوج سفر به مرزهایی برسد که از ظرفیت تولید داخلی فراتر می‌رود و همین مسئله احتمال واردات را افزایش داده و منابع ارزی کشور را تحت فشار قرار می‌دهد افزون بر آن استفاده گسترده از بنزین مشکلات زیست محیطی نظیر آلودگی هوا را تشدید کرده و بار سنگینی بر شبکه توزیع و زیرساخت‌های مرتبط وارد می‌سازد در چنین وضعیتی تداوم روند کنونی نه تنها هزینه های ملی را افزایش می‌دهد بلکه کشور را در برابر شوک های ناگهانی بازارهای جهانی آسیب پذیرتر می‌کند از این رو ضروری است که مدیریت مصرف و اصلاح رفتارهای انرژی بر پایه آگاهی عمومی فرهنگسازی و تقویت حس مسئولیت اجتماعی صورت گیرد چرا که بخشی از مشکل مصرف بنزین در رفتارهای روزمره مردم و عادات رانندگی ریشه دارد و با اصلاح آنها می‌توان بخش قابل توجهی از این فشار را کاهش داد

استفاده از حمل و نقل عمومی حذف سفرهای غیرضروری نگهداری صحیح خودرو و توجه به انتخاب خودروهای کم مصرف از جمله اقداماتی است که مصرف کنندگان می‌توانند در مسیر کاهش مصرف بنزین انجام دهند این اقدامات کوچک در مقیاس فردی اما بزرگ در مقیاس ملی هستند و به ایجاد ثبات و امنیت انرژی کمک می‌کنند.

ضرورت تنوع بخشی به سید سوخت و نقش سیاستگذاری ملی
در کنار اصلاح الگوی مصرف ضروری است که سیاستگذاران نگاه جامع تری به تنوع بخشی سید سوخت داشته باشند زیرا تکیه بر یک منبع واحد همواره آسیب پذیری ایجاد می‌کند و در شرایط فشار بازار یا نوسانات تولید داخلی احتمال ایجاد بحران افزایش می‌یابد ایران با برخورداری از ذخایر بسیار بزرگ گاز طبیعی ظرفیت مناسبی برای جایگزینی بخشی از مصرف بنزین با سی ان جی دارد توسعه زیرساخت‌های سی ان جی در سالهای گذشته تا حدی انجام شده اما هنوز با ظرفیت مطلوب فاصله دارد افزایش ایستگاه های جدید بهسازی ایستگاه های موجود تشویق تولیدکنندگان خودرو به توسعه محصولات پایه گازسوز و ارائه مشوق های مالی می‌تواند نقش مؤثری در رشد مصرف سی

نظام قیمت گذاری با رعایت ملاحظات اجتماعی و اقتصادی بخشی از اقدامات دولت برای ایجاد مسیر پایدار تنوع سوختی است همچنین لازم است برنامه های تبلیغی و آموزشی گسترده برای ایجاد آگاهی عمومی از مزایای سوخت های جایگزین اجرا شود زیرا آگاهی و پذیرش اجتماعی از جمله پیش شرط های موفقیت این سیاست هاست در کنار این موارد توسعه حمل و نقل عمومی پاک تقویت شبکه ریلی و ایجاد سیستم های اشتراک خودرو و سفر نیز می‌تواند مصرف بنزین را به شکل قابل توجهی کاهش دهد و به مسیر پایداری انرژی کمک کند.

در پایان باید تأکید کرد که کاهش وابستگی ایران به بنزین نیازمند یک رویکرد جامع و ملی است که هم رفتار مصرفی مردم را اصلاح کند و هم ساختار عرضه و سید سوخت را تغییر دهد صرفه جویی در مصرف بنزین امری ضروری و فوری است اما کافی نیست و باید با تکمیل و توسعه سید سوختی کشور همراه شود سی ان جی و ال پی جی به عنوان دو گزینه در دسترس و اقتصادی می‌توانند بخشی از بار مصرف بنزین را به دوش بکشند و فشار موجود را کاهش دهند دولت با تدوین سیاست‌های هماهنگ و توسعه زیرساخت‌ها و مردم با اصلاح رفتار مصرفی می‌توانند دست در دست هم این وابستگی فزاینده را کاهش داده و امنیت انرژی را تقویت کنند و در نهایت مسیری پایدارتر را برای آینده نظام انرژی کشور رقم بزنند.

۴۰۰۰هالیوودی مخالف انحصار در صنعت فیلم



به نقل از ورایتی، قرارداد ۱۱۱ میلیارد دلاری که موجب می‌شود تا پارامونت، کمپانی برادران وارنر را ببلعد، پنجشنبه با رای قاطع اکثر سهامداران وارنر به این ادغام، یک گام دیگر به واقعیت نزدیک شد.

اما این قرارداد هنوز نهایی نشده و در همین حال گروه جدیدی از چهره‌های درجه یک هالیوود از جمله رابرت دینرو، سوفیا کاپولا و هالی هاتنر نیز نامه سرگشاده مخالفت با این ادغام را امضا کردند. این نامه که ۱۳ آوریل یا ۱۰۰۰ نام برای اولین بار منتشر شد، تاکنون در مجموع ۴۱۹۴ امضاکندنده جمع کرده که شامل اعضای اتحادیه صنعت فیلم و سرگرمی، بازیگران و کارگردانان و بیش از ۷۵ چهره برنده و نامزد اسکار است. این گروه امیدوار است مخالفت با معامله پارامونت-برادران وارنر را که هنوز در انتظار تأیید نهادهای نظارتی در آمریکا و اروپا است بتواند به توقف ادغام توسط دادستان‌های کل ایالت بکشانند.

همچنین دیروز ساعت ۹ صبح به وقت شرق آمریکا، پیش از رای‌گیری سهامداران، تجمعی در برابر دفتر مرکزی برادران وارنر در منهتن ترتیب داده شد و قرار است ادامه این اعتراض تا شام خصوصی که دیوید لیسون مدیرعامل پارامونت ترتیب داده تا میزبان ترامپ باشد، ادامه یابد.

در این نامه آمده است: ما به عنوان فیلمساز، مستندساز و متخصصانی از هر بخش صنعت فیلم و تلویزیون، مخالفت صریح خود را با ادغام پارامونت-وارنر ابراز می‌کنیم. این معامله، چشم‌انداز رسانه‌ای از قبل متمرکز را بیش از پیش تثبیت می‌کند و رقابت را در زمانی که صنایع ما – و مخاطبانی که به آنها خدمت می‌کنیم – کمترین توان مالی را دارند، کاهش می‌دهد. نتیجه، فرصت‌های کمتر برای سازندگان، مشاغل کمتر در سراسر اکوسیستم تولید، هزینه‌های بالاتر و انتخاب کمتر برای مخاطبان در آمریکا و سراسر جهان خواهد بود. به طرز

از باز ماندنند، از این رو، کارتر مأموریت را لغو کرد. برخورد هواپیمای سی ۱۳ نیز بر اثر اشتباه یک هلیکوپتر بود، زیرا در منطقه‌ای که باید فرود می‌آمد، نبود.»

در همین راستا، یک افسر نیروی دریایی آمریکا نیز در گفت‌وگو با روزنامه دیلینیزو تأکید کرد: «شکست عملیات فقط به‌دلیل طوفان شن بوده است.»

با رسیدن نیروها به منطقه تعیین‌شده، مشکلات فنی یکی پس از دیگری آشکار شد. نخستین گزارش‌ها حاکی از آن بود که یک بالگرد در مسیر دچار نقص شده و دیگری به‌دلیل شرایط جوی به ناو بازگشته است.

بر اساس یادداشت‌های برژینسکی، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا، در ساعت ۲۳:۴۵ به وقت تهران مشخص شد که با وجود این مشکلات، هنوز ۶ بالگرد در منطقه حضور دارند و امکان ادامه عملیات وجود دارد.

اما این وضعیت دوام چندانی نداشت. حدود نیم ساعت بعد، خبر از کار افتادن سوئین بالگرد به‌دلیل نقص در سیستم هیدرولیک، معادلات را تغییر داد. این مسئله به‌معنای از دست رفتن حداقل ظرفیت لازم برای اجرای مأموریت بود.

در نتیجه، پس از مشورت‌های انجام‌شده میان فرماندهان میدانی و مقامات کاخ سفید، تصمیم به لغو کامل عملیات اتخاذ شد؛ تصمیمی که به‌سرعت به یکی از مهم‌ترین نقاط عطف این رویداد تبدیل شد.

انفجار در دل کویر، پایان یک مأموریت

در حالی که نیروهای آمریکایی در حال آماده‌سازی برای ترک منطقه بودند، حادثه‌ای غیرمنتظره رخ داد که ابعاد فاجعه را دوچندان کرد.

در جریان سوخت‌گیری یکی از بالگردها از هواپیمای سی-۱۳۰، این بالگرد هنگام بلند شدن دچار چرخش شدید شد و با بدنه هواپیما برخورد کرد. این برخورد منجر به انفجار گسترده‌ای شد که به کشته شدن ۸ نظامی آمریکایی انجامید.

در روایت یکی از مسئولان عملیات آمده است: «او از زمین بلند شد تا به سمت هواپیما برود و گرد و خاک وحشتناکی به راه افتاد. هلیکوپتر او با قسمت جلوی هواپیما برخورد کرد و همه چیز مثل یک گلوله آتش منفجر شد. فقط یک تصادف معمولی بود، مثل بقیه تصادف‌ها»

این حادثه، نه‌تنها به تلفات انسانی انجامید، بلکه عملاً پایان قطعی



تولید یک ماهه مستند اهل ایران

حمیدرضا جعفریان رئیس سازمان سینمایی سوریه با اشاره به یکپارچگی نظام توزیع و تولید در موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز در پاسخ به این پرسش که این هدف تا چه میزان عملیاتی به نظر می‌رسد و چه برنامه‌هایی برای تحقق آن وجود دارد، توضیح داد: بخشی از این مسیر باید در قالب تغییرات ساختاری و فرایندی دنبال شود. به امید خدا در دوره جدید بهمن سبز با حضور آقای محمد ساسان در هیئت مدیره مؤسسه بهمن سبز به عنوان نایب‌رئیس و در کنار مدیرعامل منتخب، آقای نوری که شخصیتی فرهنگی و هنری دارند و پیش‌تر نیز تجربیاتی در حوزه توزیع، پخش، تبلیغات و نیز مسائل محتوایی (از جمله در جایگاه مدیر حوزه هنری استان اصفهان در زمینه تألیف و خلق آثار) کسب کرده‌اند، گام‌های مؤثری برداشته خواهد شد.

وی تأکید کرد: بخشی از تحولات مورد نظر، با تغییرات ساختاری و فرایندی محقق خواهد شد و نظام انتخاب فیلم در حوزه پخش، نظام تصویب فیلمنامه برای تولید، نظام مشارکت و همکاری با نهادهای و دستگاه‌ها و نیز بخش خصوصی در زمینه سرمایه‌گذاری فیلم‌های مختلف قرار است به صورت یکپارچه انجام شود. امید می‌رود این یکپارچگی با همکاری و هم‌افزایی آقایان نوری و ساسان در قالب تغییرات بنیادین محقق شود.

جعفریان با اشاره به توسعه زیرساخت اکران سیار عنوان کرد: در حال حاضر، بیش از شش هزار اکران‌کننده سیار در کشور با شبکه اکران سیار «بهمن سبز» همکاری دارند و رکوردهای قابل توجهی ثبت شده است؛ به‌گونه‌ای که تعداد مخاطبان اکران سیار در سال ۱۴۰۳ تقریباً معادل ۲ ماه فروش سینمای کشور در مؤسسه بهمن سبز بوده است. دستیابی به این رکوردها، به معنای جذب حدود ۱۰ درصد از مخاطبان سالانه سینما در بخش اکران سیار است.

وی تأکید کرد: این نوع توسعه‌ها و فناوری‌های نرم در زمینه تماشا و زیرساخت‌های مرتبط، به شکل‌گیری زنجیره توزیع منسجم کمک می‌کند و موجب ترویج آثار تولیدشده و همچنین انتخاب آثاری برای تولید می‌شود که ظرفیت مناسبی برای ترویج، توزیع، پخش و تبلیغات داشته باشند.

رئیس سازمان سینمایی سوریه درباره شکل‌گیری سریال «اهل ایران» عنوان کرد: ایده سریال «اهل ایران» در روزهای اولیه جنگ مطرح و با همکاری آقای مهدویان و آقای منصوری در مرکز سریال سوریه و با مدیریت پروژه توسط آقای پناهلو پیش رفت.

■ عملیات «پنجه عقاب» (Operation Eagle Claw) که در ایران

با عنوان «عملیات طیس» یا «طوفان صحر» شناخته می‌شود، در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۹ به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال پرهزینه‌ترین اقدامات نظامی ایالات متحده آمریکا برای آزادسازی گروگان‌های خود در تهران طراحی و اجرا شد؛ عملیاتی که قرار بود نمایش قدرت و توانمندی نظامی آمریکا باشد، اما در نهایت به یکی از نادرهای شکست این کشور در عرصه بین‌المللی تبدیل شد.

این عملیات در شرایطی طراحی شد که بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی دولت جیمی کارتر تبدیل شده بود. ۵۳ گروگان آمریکایی در اختیار نیروهای انقلابی ایران قرار داشتند و فشار افکار عمومی در داخل آمریکا، دولت را به اتخاذ راه‌حل‌های فوری واداشته بود. در چنین فضایی، طرحی چندمرحله‌ای برای نفوذ به خاک ایران، انتقال نیروها به نزدیکی تهران و در نهایت آزادسازی گروگان‌ها تدوین شد.

طرحی پیچیده برای یک مأموریت پرریسک

در چارچوب این عملیات، ۶ فروند هواپیمای نظامی و ۸ فروند بالگرد از ناو هواپیمابر «هیمتز» به پرواز درآمدند. بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، نیروهای آمریکایی باید در منطقه‌ای در صحرای طیس موسوم به «کویر یک» فرود می‌آمدند، سوخت‌گیری می‌کردند و سپس با ادامه مسیر، خود را به نزدیکی تهران می‌رساندند. هدف نهایی، ورود به محل نگهداری گروگان‌ها و انتقال آن‌ها به خارج از کشور بود. این طرح، نیازمند هماهنگی دقیق میان نیروهای هوایی، زمینی و پشتیبانی بود و کوچک‌ترین اختلال می‌توانست کل عملیات را با شکست مواجه کند؛ اتفاقی که در عمل رخ داد.

وقتی طوفان شن، معادلات پنتاگون را برهم زد

وقتی شن، معادلات نظامی را برهم زد

از همان ساعات ابتدایی اجرای عملیات، شرایط جوی به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده وارد صحنه شد. طوفان شن در منطقه طیس، دید خلبانان را به‌شدت کاهش داد و عملکرد تجهیزات را مختل کرد. بر اساس گزارش وزیر دفاع آمریکا به کنگره، «طوفان شن غیرمنتظره باعث سرگیجه و از بین رفتن تعادل افراد بوده است.» شبکه تلویزیونی ABC نیز در گزارشی به نقل از سام دونالدسون اعلام کرد: «۸ فروند هلیکوپتر به این منطقه گسیل شده بود. ۶ فروند برای تکمیل عملیات کالی بود و ۲ فروند اضافی برای پشتیبانی قرار داده شده بود، به هر حال، هلیکوپترها در طوفان شن گرفتار شدند و



قاب‌هایی که در بهشت زهرا جاماند

زهرا فراست عکاس خبری که روزهای «جنگ رمضان» در حال عکاسی از رشادتها و حضور مردم در میدان و ویرانی ناشی از جنگ بود، درباره حس و حالش از حضور در این میدان، توضیح داد: در روزهای نخست آغاز جنگ، تصورم این بود که درگیری‌ها تنها چند روز به طول می‌انجامد و شاید اصلاً فرصتی برای گرفتن دوربین فراهم نشود؛ یا اگر هم مجالی باشد، تنها برای عکاسانی است که در حلقه‌های نزدیک ارتباطی قرار دارند اما با گذشت زمان و جدی‌تر شدن ابعاد نبرد، دوربین برای من باری از مسئولیت به همراه آورد؛ فراتر از وظیفه ثبت وقایع، دوربین به من این امکان را داد تا به مردم نزدیک‌تر شوم و درد و رنج آن‌ها را از نزدیک لمس کنم. دوربین اجازه داد تا به جای نشستن در خانه و خواندن گزارش‌ها، با سوک مردم مواجه شوم و این رویارویی برایم بسیار ارزشمند بود.

بانوی عکاس از ۴۰ روز بیم و امید گفت: قاب‌هایی که در بهشت زهرا جاماند

وقتی دوربین راهی برای لمس رنج مردم می‌شود

وی درباره چالش‌های اخلاقی و عاطفی در این روزها و همچنین تعادل برقرار کردن بین وظیفه و احساساتش گفت: بزرگ‌ترین چالش من در این ۴۰ روز، درگیری شدید احساساتم بود. به عنوان یک زن، مدیریت عواطف در لحظاتی که غم بر انسان غلبه می‌کند، بسیار دشوار است. مدام باید خودم را قانع می‌کردم که اکنون وقت انجام وظیفه است و سوگواری را باید به وقت دیگری موکول کنم. با این حال، لحظاتی بود که نگاه انسانی بر وظیفه حرفه‌ای پیشی می‌گرفت؛ گاهی چنان با سوزها پیوند عاطفی برقرار می‌کردم که ترجیح می‌دادم دوربین را کنار بگذارم، زنی را که گریه می‌کند در آغوش بگیرم و به او دلداری بدهم. بارها پیش آمد که از یک لوکیشن با دست خالی و بدون عکس برمی‌گشتم، اما کوله‌باری از قصه و روایت با خود داشتم؛ چرا که در آن لحظات، «انسان بودن» را به «عکاس بودن» ترجیح داده بودم.

فراست تصریح کرد: در این میان، تصاویری هم ثبت شدند که هرگز منتشر نخواهند شد؛ مانند لحظات تلخ شناسایی پیکرهای قطعه‌قطعه شده در بهشت‌زها (س) برای آزمایش دی‌ان‌ای. شدت تلخی آن صحنه‌ها به حدی بود که قاب دوربین هم تاب انتشارشان را نداشت.

از توقیف دوربین تا ثبت لبخند در دل آوار؛ روایت نبرد برای «راموش نشدن»

وی درباره مرز عکاسی خبری و مستند در جنگ، توضیح داد: معتقدم در زمان بحران، مرز میان «عکس خبری» و «مستند جنگی» از بین می‌رود. حتی یک گزارش ساده از اصابت موشک به یک اداره، به بخشی از مستندات ماندگار تاریخ تبدیل می‌شود که تاریخ انقضا ندارد. ما و همکاران‌مان تمام توان خود را به کار بستیم تا تصویری حقیقی و بدون سانسور از این ایشار و رنج به جهان مخابره کنیم. اگرچه بسیاری از این عکس‌ها در سطح جهانی دیده و «ویرال» شدند، اما صادقانه باید گفت که عمق درد و غمی که مردم با پوست و گوشت خود حس کردند، بسیار فراتر از آن چیزی است که در قاب تصاویر می‌گنجد؛ درست مانند جنگ هشت‌ساله که ما امروز با دیدن عکس‌هایش متوجه سختی آن دوران می‌شویم، اما درک عمق واقعی آن رنج تنها برای کسانی ممکن است که در آن زیسته‌اند.

بانوی عکاس از ۴۰ روز بیم و امید گفت: قاب‌هایی که در بهشت زهرا جاماند

فراست که به عنوان عکاس خبرگزاری آنا فعالیت می‌کند، بیان کرد: امروز به مدد شبکه‌های اجتماعی، عکس‌ها به سرعت منتشر می‌شوند و این بزرگ‌ترین مزیت عکاسی در دوران مدرن است؛ چرا که دیگر لازم نیست سال‌ها بگذرد تا صدای مظلومیت یک ملت به گوش دنیا برسد.

وی در مورد تفاوت عکاسی جنگ در دوران قدیم و جدید عنوان کرد: قدرت فضای مجازی در دوران مدرن، صدای مظلومیت را با سرعتی باورنکردنی به دنیا می‌رساند و این تأثیرگذاری، مسئولیت ما را دوچندان کرده است. در این چهل روز، بارها مرز میان وظیفه و غریزه انسانی برایم کم‌رنگ شد.

روایت تانمات تابوت‌های کوچک؛ وقتی مادران با آرزوهایشان دفن شد ند

فراست در پاسخ به این پرسش که آیا در حین عکاسی پیش آمد به جای عکاسی برای کمک کردن دست به کار شود، به مهر گفت: در بهشت‌زها (س)، وقتی بی‌تابی زنی را در وداع با عزیزش دیدم، دوربین را کنار گذاشتم تا برایش جرعه‌ای آب بیاورم و کنارش بنشینم. یا در بیمارستان مه‌راد، ترجیح دادم به جای فشردن شاتر، دست زنی را بگیرم که میان جمعیتی از مردان، تنها و بی‌پناه با تابوت عزیزش وداع می‌کرد. در آن لحظات، حال دلم با کمک کردن بهتر بود تا عکس گرفتن.

وی درباره اینکه عکاس جنگ حق دارد «همه چیز» را ثبت کند یا خیر، توضیح داد: معتقدم عکاس جنگ وظیفه دارد «همه چیز» را ثبت کند، حتی اگر آن تصویر تا سال‌ها مجوزی برای انتشار پیدا کند. عکس‌ها بخشی از شناسنامه تاریخی ما هستند؛ حرف زدن ممکن است روزی باورپذیر نباشد، اما عکس، حتی اگر عکاشش زنده نباشد، خودش روایتگر صادق واقعه خواهد بود.

چرا ایران باید وارد «جنگ حقوقی» شود؟

■ در پی جنگ رمضان که با حمله آمریکا علیه ایران رقم خورد و به شهادت رهبر انقلاب و حدود ۳ هزار نفر از هموطنان که بخش عمده‌ای از آنان را غیرنظامیان تشکیل می‌دادند انجامید، ابعاد حقوقی این تجاوز بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان، شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز در میناب به‌عنوان یکی از تلخ‌ترین جلوه‌های این جنگ، ضرورت پیگیری حقوقی این جنایات در مجامع بین‌المللی را دوچندان کرده است؛ موضوعی که به اعتقاد کارشناسان، نیازمند ورود جدی‌تر دستگاه‌های مسئول و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل است.

در همین راستا، علیرضا مظلوم ره‌نی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، وکیل دادگستری کانون وکلای مرکز و عضو اتحادیه وکلای جهانی، در گفت‌وگویی به بررسی امکان پیگیری حقوقی این جنگ در مجامع بین‌المللی، دریافت غرامت و چالش‌های پیش‌رو پرداخت.

وی گفت: طبیعتاً جمهوری اسلامی ایران برای حضور و ایفای نقش در نظام حقوق بین‌الملل هزینه‌های قابل توجهی انجام داده است؛ از جمله پیوستن به منشور سازمان ملل متحد و کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی که هرکدام تعهدات و هزینه‌هایی را برای کشور به همراه داشته است.

وی افزود با این حال، متناسب با این هزینه‌ها، بهره‌برداری لازم صورت نگرفته و ما نتوانسته‌ایم از این ظرفیت‌ها به‌صورت کامل در جهت تأمین منافع ملی استفاده کنیم.

این وکیل دادگستری ادامه داد: از منظر یک حقوقدان، این موضوع دارای دو بعد است؛ بخشی از آن به ساختارهای بین‌المللی بازمی‌گردد، اما بخش مهم‌تر آن به نوع نگاه داخلی ما مربوط می‌شود.

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ، دادگاه لاهه ، سازمان ملل متحد ، مدرسه شجره طیبه میناب ،

وی گفت: امروز در ادبیات حقوقی دنیا مفهومی تحت عنوان «جنگ حقوقی» مطرح است، اما متأسفانه هنوز بسیاری از مسئولان ما به این مفهوم باور جدی ندارند؛ در حالی که ما عملاً قربانی جنگ حقوقی بوده‌ایم و تحریم‌ها یکی از بارزترین مصادیق آن است.

مظلوم ره‌نی افزود: جنگ حقوقی موضوعی ساده نیست و حتی کشورهایی که به‌صورت قلدری رفتار می‌کنند نیز تلاش دارند اقدامات خود را در قالب‌های حقوقی توجیه کرده و افکار عمومی و جامعه حقوقی جهان را با خود همراه کنند.

وی ادامه داد به عنوان نمونه، حتی زمانی که طرف مقابل قصد اقدام نظامی دارد تلاش می‌کند برای آن پیوست حقوقی و رسانه‌ای تعریف کند؛ اما در مقابل، ما بعضاً در بیان مواضع خود دچار خطاهایی می‌شویم که می‌تواند علیه کشور مورد استفاده قرار گیرد.

وی گفت: یکی از این موارد برخی اظهارات نسنجیده در سطوح عالی است که ممکن است در مجامع حقوقی بین‌المللی به‌عنوان اقرار تلقی شود؛ در حالی که اقدامات ایران در این جنگ، کاملاً در چارچوب «دفاع مشروع» و بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل قابل تبیین است.

وی افزود: بر اساس این ماده، هر کشوری در صورت وقوع حمله

مسلحانه، حق دفاع مشروع دارد و این یکی از مواردی است که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است.

این عضو اتحادیه وکلای جهانی ادامه داد: علاوه بر این، کشورهایی که امکانات لجستیکی، هوایی، زمینی و حتی سوخت در اختیار طرف مهاجم قرار داده‌اند بر اساس تعریف تجاوز در اسناد بین‌المللی، در این جنگ مشارکت داشته‌اند و این موضوع نیز قابل پیگیری حقوقی است.

وی گفت: یکی از مشکلات جدی ما، فقدان «پیوست حقوقی» برای تصمیمات و مواضع مسئولان است؛ در حالی که چنین پیوستی می‌تواند از بروز بسیاری از تبعات حقوقی جلوگیری کند و حتی دست کشور را در پیگیری‌های بین‌المللی تقویت کند.

مظلوم ره‌نی افزود: البته جمهوری اسلامی ایران در برخی موارد، دعای حقوقی را در مجامع بین‌المللی مطرح کرده و حتی در مواردی موفقیت‌هایی نیز به دست آورده است، از جمله پرونده‌هایی که علیه ایالات متحده آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده است. وی ادامه داد با این حال، هنوز نگاه غالب در بسیاری از موارد سیاسی است و نه حقوقی؛ در حالی که این‌و باید در کنار یکدیگر قرار گیرند. وی گفت: متأسفانه نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت و حتی دبیرکل سازمان ملل متحد، در قبال این جنگ واکنش متناسبی نشان ندادند و حتی از یک محکومیت ساده نیز خودداری کرده‌اند.

وی افزود: این در حالی است که برخی کشورها، به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، با بهره‌گیری از لابی‌های حقوقی در شورای امنیت، موفق شده‌اند قطعنامه‌هایی به نفع خود دریافت کنند و حتی در برخی حوزه‌ها از ما پیشی بگیرند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: در سطح بین‌المللی، نهادهای حقوقی متعددی وجود دارد که ایران می‌تواند از ظرفیت آن‌ها استفاده کند؛ از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری که دولت‌ها می‌توانند علیه یکدیگر طرح دعوا کنند.

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ، دادگاه لاهه ، سازمان ملل



متحد ، مدرسه شجره طیبه میناب ،

وی گفت: در صورتی که اقدامات صورت‌گرفته در این جنگ، مصداق «نسل‌کشی» یا حتی «تهدید به نسل‌کشی» تلقی شود، می‌توان بر اساس کنوانسیون منع نسل‌کشی علیه کشورهای مرتبط اقامه دعوا کرد.

وی افزود در این زمینه، اقدام آفریقایی جنوبی در طرح دعوا علیه رژیم صهیونیستی به‌دلیل جنایات در غزه، یک الگوی موفق محسوب می‌شود که حتی موجب همراهی سایر کشورها نیز شده است.

مظلوم ره‌نی ادامه داد: این پرسش جدی مطرح است که چرا ایران با وجود ظرفیت‌های موجود، به‌طور کامل از این ابزارها استفاده نمی‌کند

و در برخی موارد حتی از ورود به این عرصه خودداری می‌کند.

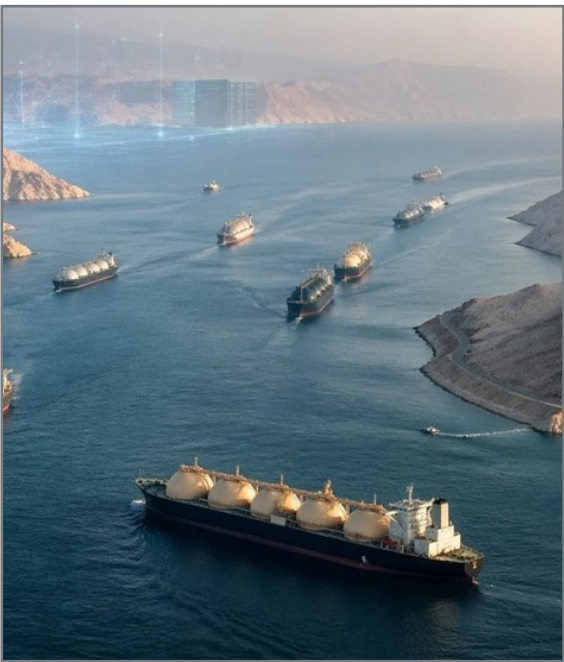
وی گفت: علاوه بر دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی نیز ظرفیت مهمی برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی از جمله جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت دارد.

وی افزود: البته در این مسیر، موانعی از جمله بحث صلاحیت وجود دارد اما این موانع مطلق نیست و راهکارهایی برای عبور از آن‌ها پیش‌بینی شده است.

وی ادامه داد: یکی از این راهکارها، پذیرش موردی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی از سوی دولت‌هاست؛ به این معنا که ایران می‌تواند در خصوص یک پرونده خاص، صلاحیت این دیوان را بپذیرد و زمینه رسیدگی را فراهم کند.

وی گفت: همان‌گونه که در برخی پرونده‌های بین‌المللی، از جمله صدور حکم جلب برای برخی مقامات رژیم صهیونیستی، این ظرفیت مورد استفاده قرار گرفته است.

این وکیل دادگستری افزود در مجموع، امکان پیگیری حقوقی این جنگ و مطالبه غرامت از عاملان آن وجود دارد اما تحقق این امر مستلزم عزم جدی مسئولان، تدوین یک نقشه راه حقوقی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه حقوقی کشور است.



ساخت پیشرفته‌ترین تراشه‌های جهان است. این گاز که در صنعت نیمه‌های نقشی مشابه خون در بدن دارد اکنون با بحران جدی مواجه شده است.

حملات به تأسیسات قطر و متعاقب آن بسته شدن تنگه هرمز، عملاً تانکرهای حامل هلیوم را در این کشور زمینگیر کرده است. قیمت هلیوم در بازارهای نقدی از زمان آغاز جنگ بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته و به بیش از دو برابر رسیده است.

تحلیلگران مؤسسه دویچه بانک این آسیب را «گسترده» و ترمیم آن را نیازمند سال‌ها دانسته‌اند. کره جنوبی، سنگاپور و تایوان به ترتیب حدود ۲۵ تا ۳۵ درصد از LNG مورد نیاز خود را از قطر تأمین می‌کنند و کره جنوبی به طور خاص ۶۴٫۷ درصد از هلیوم خود را از قطر وارد می‌کند. ذخایر استراتژیک این گاز در اختیار تولیدکنندگان بزرگ تراشه حداکثر ۳ تا ۶ ماه دوام خواهد داشت و با اتمام این مهلت، زنجیره تأمین جهانی نیمه‌های با خطر جدی مواجه می‌شود.

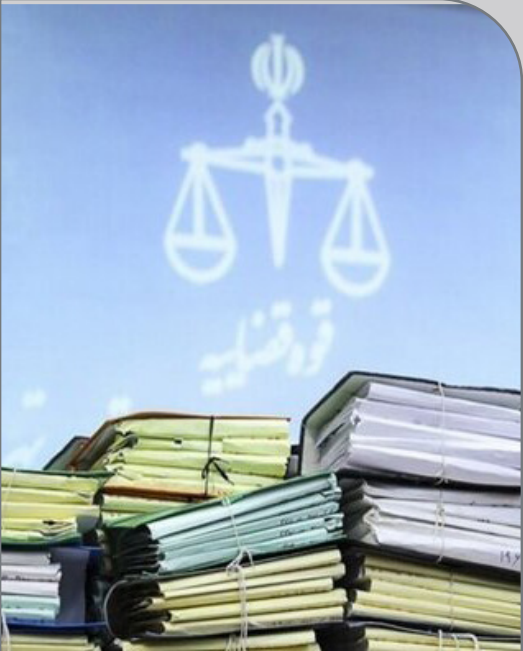
جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ، هوش مصنوعی ، جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ، هوش مصنوعی ،

در همین راستا، نرخ بهره‌برداری از پالایشگاه‌های کره جنوبی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش یافته و مواد اولیه کلیدی با کمبود مواجه شده‌اند.

مجموع این فشارها، هزینه‌های محاسباتی (هزینه نهایی پردازش) در آمریکا را ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش داده و روند آموزش نسل‌های آینده مدل‌های زبانی مانند GPT-۵ را با تأخیر مواجه کرده است.

برآورد تحلیلگران تخمین زده می‌شود که در صورت تداوم بحران به مدت ۶ ماه، کمبود هلیوم به تهایی می‌تواند تولید جهانی تراشه‌های هوش مصنوعی را ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهد.

جامعه



هشدار به جاسوسان دیجیتال

■ تصویب قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم» در مهرماه ۱۴۰۴، یکی از مهم‌ترین تحولات در سیاست جنایی و تقنینی ایران برای مقابله با تهدیدات نوین امنیتی به شمار می‌رود.

سیدحسین هاشمی، قاضی و رئیس شعبه دادگاه کیفری تهران، به واکاوی ابعاد مختلف این قانون پرداخته و تأکید دارد که در شرایط پیچیده امروز، مرزهای خیانت و وفاداری در عرصه حقوق کیفری نیازمند بازتعریف جدی بوده است.

پایان دوران جاسوسی سنتی: تهدیدات نوین زیر ذره‌بین

این مقام قضایی در ابتدای سخنان خود با اشاره به تغییر ماهیت تهدیدهای امنیتی اظهار کرد: نظام حقوق کیفری ایران در بخش جرایم علیه امنیت، سال‌ها بر پایه تعدادی از مواد قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۲۵) استوار بود. اما تحولات پرشتاب سال‌های اخیر، به‌ویژه تحولات مستقیم نظامی و اطلاعاتی علیه تمامیت ارضی کشور در اسفند ۱۴۰۴، نشان داد که تعاریف سنتی از «جاسوسی» دیگر پاسخگوی شرایط جدید نیست.

به گفته هاشمی، امروزه جاسوسی صرفاً به ریودن اسناد نظامی یا افشای اسرار دولتی محدود نمی‌شود، بلکه حوزه‌هایی مانند زیست‌فناوری، فضای سایبری، فعالیت‌های مالی و حتی عملیات رسانه‌ای نیز می‌توانند قطعاتی از پازل پروژه‌های دشمن باشند که قانون جدید با رویکردی واقع‌گرایانه به آن‌ها پرداخته است.

ریشه‌های فقهی برخورد سخت با شبکه نفوذ

رئیس شعبه دادگاه کیفری تهران در ادامه به تشریح مبانی فقهی این قانون پرداخت و گفت: از منظر فقه امامیه، بسیاری از جرایم پیش‌بینی شده در این قانون ذیل عناوینی مانند «افساد فی‌الارض» و «غی» قابل تحلیل هستند.

وی افزود: بر اساس قاعده فقهی «تفی سیل»، هر اقدامی که موجب سلطه دشمنان بر جامعه اسلامی شود مستوجب شدیدترین مجازات‌هاست و ماده نخست این قانون نیز که برای برخی اقدامات عملیاتی مجازات اعدام در نظر گرفته، دقیقاً بر همین مبانی استوار است.

ردگیری رمزآرزا و تجهیزات دومنظوره

یکی از چالش‌های مهم در پرونده‌های امنیتی جدید، شیوه‌های نوین تأمین مالی است. هاشمی با اشاره به استفاده از ارزهای دیجیتال گفت: امروزه رمزآرزا به یکی از بسترهای اصلی انتقال پول در فعالیت‌های جاسوسی تبدیل شده‌اند. در قانون جدید، صرف دریافت وجه در صورت وجود قرائن همکاری با دشمن می‌تواند مبنای بررسی قضایی قرار گیرد و در این شرایط، متهم موظف است منشأ مشروع دریافت وجه و عدم اطلاع خود از ماهیت آن را اثبات کند.

این قاضی دادگستری همچنین استفاده از تجهیزات پیشرفته نظیر ریزپرنده‌ها را مصداق دیگری از تهدیدات نوین دانست و توضیح داد: ورود برخی تجهیزات دومنظوره تحت پوشش فعالیت‌های علمی می‌تواند بستر جاسوسی نقطه‌ای را فراهم کند. قانون‌گذار برای تأمین یا هدایت این ابزارها در مسیر همکاری با دشمن، ضمانت‌های کیفری بسیار سنگینی در نظر گرفته است.

مصادره اموال و اشد مجازات، سهم شبکه نفوذ؛ هشدار به جاسوسان دیجیتال

هزینه سنگین ارسال فیلم و همکاری رسانه‌ای با معاندان

فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بخش دیگری از میدان نبرد اطلاعاتی هستند. رئیس شعبه دادگاه کیفری تهران در این باره خاطرنشان کرد: در سال‌های اخیر دشمنان از طریق پلتفرم‌های مجازی برای جمع‌آوری داده‌های محیطی یا سازماندهی اقدامات مخرب استفاده کرده‌اند؛ از این رو، قانون جدید ارسال فیلم و تصاویر به صفحات و رسانه‌های وابسته به جریان‌های معاند را جرم‌انگاری کرده است.

وی تأکید کرد: هرچند در این پرونده‌ها احراز «علم و قصد» متهم حیاتی است، اما پیش‌بینی مجازات‌هایی نظیر حبس تعزیری و انفصال از خدمات دولتی، هزینه تبدیل شدن شهروندان به ابزارهای خبری و رسانه‌ای دشمن را به شدت افزایش می‌دهد.

از ادله دیجیتال تا رسیدگی قاطع به پرونده‌های استارلینک

با تغییر شکل جرایم، ماهیت ادله نیز دگرگون شده است. هاشمی تصریح کرد: امروز بخش قابل توجهی از ادله، ماهیت دیجیتال دارند. استخراج داده از سرورهای خارجی، بررسی لاگ‌های ارتباطی و تحلیل فراداده‌های (متادیتا) تصاویر، ابزارهای جدید قضات در فرایند رسیدگی هستند.

وی همچنین به تهدیدات اینترنت ماهواره‌ای غیرمجاز مانند استارلینک اشاره کرد و هشدار داد: استقرار این تجهیزات بدون مجوزهای حاکمیتی چالش‌زاست و اگر با هدف ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی متخاصم صورت گیرد، تحت عناوین مجرمانه سنگین رسیدگی خواهد شد.

سرعت در دادرسی، دقت در صدور احکام سنگین

رئیس شعبه دادگاه کیفری تهران درباره روند رسیدگی به این پرونده‌ها در شعب تخصصی دادگاه انقلاب گفت: قانون جدید بر سرعت و قاطعیت تأکید دارد، اما رعایت اصول دادرسی عادلانه الزامی است. در مواردی که مجازات‌های سنگینی مانند اعدام یا مصادره اموال پیش‌بینی شده، دستگاه قضایی با بالاترین دقت و صرفاً بر اساس ادله معتبر تصمیم‌گیری می‌کند.



قوه قضائیه

هشدار به جاسوسان دیجیتال

تصویب قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم» در مهرماه ۱۴۰۴، یکی از مهم‌ترین تحولات در سیاست جنایی و تقنینی ایران برای مقابله با تهدیدات نوین امنیتی به شمار می‌رود.

مخالفتان انحصار فیلم

به نقل از ویرایتی، قرارداد ۱۱۱ میلیارد دلاری که موجب می‌شود تا پارامونت، کمپانی برادران وارنر را ببلعد، پنجشنبه با رای قاطع اکثر سهامداران وارنرز به این ادغام، یک گام دیگر به واقعیت نزدیک شد.

اقدام عجیب باشگاه یونانی

در حالی که گمانه‌زنی‌های نقل و انتقالاتی پیرامون تیم فوتبال المپیاکوس در روزهای اخیر افزایش یافته، نام استفان دی‌فرای به‌عنوان یکی از گزینه‌های جدی این باشگاه برای فصل آینده مطرح شده است؛ انتقالی که در صورت تحقق، می‌تواند تحت تأثیر نقش ویژه مهدی طارمی قرار بگیرد.

بر اساس گزارش رسانه یونانی Live Sport، طارمی می‌تواند به‌عنوان یک «مشاور غیررسمی» در این پرونده ایفای نقش کند؛ بازیکنی که با توجه به شناختش از فضای المپیاکوس، می‌تواند برای دی‌فرای توضیح دهد حضور در این تیم چه ویژگی‌هایی دارد، شرایط فوتبال در پیرائوس چگونه است و یک مدافع باتجربه چه جایگاهی در تیمی خواهد داشت که به‌دنبال ساختن هسته‌ای قدرتمند برای رقابت در سطح داخلی و اروپایی است. در همین راستا، گفته می‌شود دی‌فرای که هم‌اکنون در اینتر میلان عضویت دارد، در فهرست خرید المپیاکوس قرار گرفته است. این مدافع هلندی از سال ۲۰۱۸ در اینتر حضور داشته و طی هشت فصل، یکی از مهره‌های باتجربه این تیم بوده است. طارمی نیز در تابستان ۲۰۲۴ به جمع نراتزوری پیوست و همین هم‌تیمی بودن، حالا به یک امتیاز مهم برای باشگاه یونانی تبدیل شده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که در چنین انتقال‌هایی، صرفاً مسائل مالی تعیین‌کننده نیست و نقش اطلاعات و شناخت از باشگاه نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. از همین رو، طارمی می‌تواند با انتقال تجربیات خود از رختکن، ساختار و فضای باشگاه المپیاکوس، در تصمیم‌گیری دی‌فرای تأثیرگذار باشد.



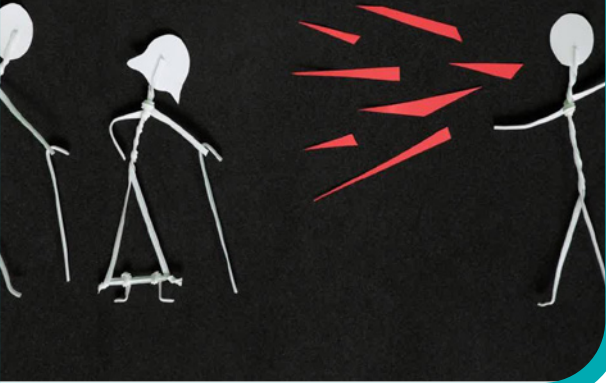
حسینی و یاران در آستانه سقوط

تیم فوتبال کایسری‌اسپور که سید مجید حسینی را در ترکیب خود دارد، امروز در چارچوب هفته سی‌ویکم رقابت‌های سوپرلیگ ترکیه مقابل تیم چایکورو ریزه‌اسپور به میدان می‌رود.

در حالی که کسب سه امتیاز این دیدار برای شاگردان کایسری‌اسپور از اهمیت بالایی برخوردار است، این تیم در شرایطی پا به این مسابقه می‌گذارد که مدافع ایرانی خود را مدت‌هاست به دلیل مصدومیت در اختیار ندارد و حسینی ماه‌ها از میادین دور بوده است. سایت «onefootball» در رابطه با این بازی نوشت: کایسری‌اسپور در حال حاضر با ۱۷ امتیاز در منطقه سقوط قرار دارد، اما در دیدار رفت موفق شده بود در خانه حریف با نتیجه یک بر صفر پیروز شود. در مقابل ریزه‌اسپور که در رده هشتم جدول قرار دارد، فصل بهتری را پشت سر گذاشته و با روندی رو به رشد پا به این مسابقه می‌گذارد.

وضعیت دو تیم از نظر فرم کاملاً متفاوت است؛ کایسری‌اسپور در پنج بازی اخیر تنها یک پیروزی داشته و سه شکست پیاپی را تجربه کرده که در هیچ‌کدام از آن‌ها موفق به گلزنی نشده است. در مقابل، ریزه‌اسپور در سه بازی اخیر شکست نخورده و پیش از تساوی ۲ بر ۲ مقابل فنرباغچه، دو برد متوالی کسب کرده است.

تیزی زبان، بُرنده‌تر از تیزی سرنیزه است



ژیمناستیک شرایط سختی دارد

رضا خیرخواه درباره آخرین شرایط اردوهای تیم ملی ژیمناستیک گفت: تیم ملی ژیمناستیک از ۲۲ فروردین ماه اولین اردوی خود را در گنبد کاووس به مدت ۱۰ روز شروع کرد. ما اردوی خوبی داشتیم اما با توجه به اینکه در تمرین ملی‌پوشان وقفه ایجاد شده بود و بعد از جنگ تحمیلی تمامی اردوها و تمرینات به حالت تعلیق در آمده بود، ملی‌پوشان از نظر بدنی خیلی آماده نبودند به همین خاطر ما کار را از بدنسازی شروع کردیم.

وی گفت: مهم‌ترین و جدی‌ترین مسابقه پیش رو ما رقابت‌های قهرمانی آسیاست که در آن مسابقات سهمیه بازی‌های آسیایی ناگویا به ۱۰ تیم برتر داده می‌شود. اگر تیم ما بتواند جزو ۱۰ تیم برتر قرار بگیرد سهمیه بازی‌های آسیایی ناگویا برای یک تیم ۵ نفره به ما داده می‌شود. بنابراین مسابقات قهرمانی آسیا چین برای ما اهمیت زیادی دارد. امیدوارم ژیمناست‌های ما با قدرت و جسارت در مسابقات قهرمانی آسیا کار کنند. اردوی بعد ما از ۱۲ اردیبهشت ماه قرار است شروع شود که البته هنوز مکان آن مشخص نیست. در این اردو هم ۱۲ نفر دعوت خواهند شد و در پایان اردو انتخابی برگزار خواهیم کرد تا نفرات نهایی را برای مسابقات قهرمانی آسیا انتخاب کنیم.

سر نوشت نامعلوم حضور بانوان در بازی های آسیایی

بین‌المللی و قرار گرفتن در معرض سبک‌های مختلف بازی در سطح قاره محسوب می‌شود. به‌ویژه برای تیمی مانند ایران که در مسیر توسعه و تثبیت جایگاه خود قرار دارد چنین تورنمنتی می‌تواند نقش مهمی در آماده‌سازی برای رقابت‌های بزرگ‌تر از جمله مسیرهای انتخابی المپیک ایفا کند.

با این حال در فاصله زمانی باقی‌مانده تا آغاز بازی‌های آسیایی ناگویا هنوز تصویر روشنی از برنامه حضور تیم ملی زنان در این رقابت‌ها ارائه نشده است. نه از سوی فدراسیون فوتبال و نه از جانب کمیته ملی المپیک توضیح مشخصی درباره نحوه اعزام یا برنامه‌ریزی‌های مرتبط منتشر نشده و همین مسئله ابهاماتی را درباره وضعیت این تیم به‌وجود آورده است. فوتبال زنان ایران و انتظار برای تعیین تکلیف حضور در بازی‌های آسیایی

این در حالی است که طی سال‌های اخیر کمیته ملی المپیک رویکردی مبتنی بر «کیفی‌گرایی» و اعزام رشته‌هایی با شانس مدال‌آوری را در دستور کار قرار داده است.

با این وجود نگاهی به ادوار گذشته نشان می‌دهد که در برخی رشته‌ها از جمله همین فوتبال در بخش مردان حضور در بازی‌های آسیایی صرفاً محدود به شانس مدال نبوده و نگاهی چون حفظ حضور در سطح رقابت‌های قاره‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است.

تیم ملی فوتبال زنان ایران در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۴ یکی از دوره‌های پرفرازونشیب خود را پشت سر گذاشت. حضور در رقابت‌های قاره‌ای که اگرچه با نتایج ضعیف برابر تیم‌هایی مانند استرالیا، کره جنوبی و فیلیپین همراه بود اما در نهایت به کسب دوباره سهمیه حضور در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا انجامید. این موفقیت در شرایطی به‌دست آمد که مجموعه عملکرد تیم به‌ویژه در مسیر رسیدن به این رقابت‌ها نشانه‌هایی از پیشرفت و انسجام بیشتر نسبت به دوره‌های گذشته را به نمایش گذاشت و بار دیگر فوتبال زنان ایران را در سطح اول قاره مطرح کرد.

پس از پایان این رقابت‌ها هر چند حواشی مختلفی پیرامون تیم شکل گرفت ولی از منظر فنی آنچه باقی ماند تثبیت جایگاه ایران در میان تیم‌های حاضر در جام ملت‌های آسیا بود اتفاقی که می‌تواند زمینه‌ساز حضور مؤثرتر در رویدادهای آینده باشد. در همین چارچوب یکی از مهم‌ترین رویدادهای پیش‌رو بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ است که از ۱۹ سپتامبر تا ۴ اکتبر (۲۸ شهریور تا ۱۲ مهر) در شهر ناگویا ژاپن برگزار می‌شود. مسابقاتی که برای نخستین‌بار می‌تواند میزبان حضور تیم ملی فوتبال زنان ایران باشد.

اهمیت این رقابت‌ها از آن جهت است که بازی‌های آسیایی علاوه بر جنبه رقابتی بستری مناسب برای کسب تجربه

